

لَبَّيْكَ يَا كَرِيمَ

درصحنہء غدیر

محمد مہدی رکنے یزدی



در صحنه ی غدیر

تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

نویسنده: محمد مهدی رکنی یزدی

طراح گرافیک: رضا باباجانی

صفحه آرای: محمود بازدار

ناشر: انتشارات قدس رضوی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شمارگان: ۵۰۰۰

چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس

شابک:

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی

اداره امور فرهنگی تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷ صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۷ سخن ناشر

۸ پیش‌گفتار

۱۱ غدیر چیست؟

۱۲ غدیر خم کجاست؟

۱۳ عید غدیر

۱۶ در صحنه‌ی غدیر و حضور رسول خدا ﷺ

۱۸ خطبه رسول اکرم ﷺ در غدیر خم با ترجمه آن

۸۶ پیام غدیر

در صحنه‌ی غدیر سه سال بعد از انقلاب اسلامی و زمانی که به علت انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها تعطیل بود، توسط آقای محمد مهدی رکنی یزدی از استادان دانشگاه فردوسی فراهم آمد و توسط اداره‌ی محترم امور فرهنگی آستان قدس چاپ و منتشر گردید.

نیاز فرهنگی و ضرورتی که سبب چاپ کتاب شده بود، بعد از حدود سی سال نیز احساس می‌شود، و لازم است ترجمه‌ی دقیق خطبه مجدداً چاپ، و پیام آن به همگان مخصوصاً زائران حضرت امام رضا علیه السلام رسانده شود.

پس از مصلحت‌اندیشی و مذاکره با مترجم محترم، مقرر شد تنها متن خطبه و ترجمه آن بعد از بازنگری با خلاصه‌ای از مقدمه و پیام پایانی کتاب، در قطع جیبی تجدید چاپ شود، تا خطبه بلیغ و بلند رسول خدا صلی الله علیه و آله و توصیه‌هایی که در باب امامت و امارت حضرت علی علیه السلام کرده‌اند، آسان‌تر و بهتر در دسترس عموم قرار گیرد و نیت تولیت عظمای آستان قدس در گسترش معارف اسلامی و شیعی عملی شود.

در جوار مرقد مطهر امام علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية و الثناء - پیروزی و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران را تحت رهبری آیت الله خامنه‌ای - دامت برکاته - از خداوند متعال مسئلت داریم.

اداره‌ی امور فرهنگی آستان قدس رضوی

مردادماه ۱۳۹۰

سخن از رویداد غدیر و اثبات درستی آن، بازخوانی یک داستان گذشته‌ی تاریخی نیست؛ بلکه ارتباط مستقیم با عقیده‌ی دینی و نظر سیاسی ما دارد؛ و طرح آن برای آشنائی بیشتر با سرگذشت اسلام و سنت نبوی و تشیع علوی است. آری! برای آگاهی از تعلیمات قرآن درباره‌ی حکومت و اداره‌ی اجتماع و آنچه فلسفه‌ی سیاسی اسلام می‌خوانیم چاره‌ای جز حضور در «صحنه‌ی غدیر» نداریم:

رسول اکرم ﷺ در ۱۸ ذیحجه سال ۱۰ هجری، بعد از گزاردن مراسم حج، در بازگشت به مدینه به امر پروردگار^۱ مجلسی بی‌نظیر بر دشت تفتیده‌ی جُحفه، در کنار آبگیر خُم با حضور انبوهی از حج‌گزاران تشکیل داد، و ضمن چند ساعت سخنرانی و ارشاد و وصیت، امام و رهبر و فرمانروا و زمامدار مسلمین را برای آخرین بار به صورت عمومی و رسمی معرفی کرد، و تکلیف امت اسلام را تا پایان جهان معین نمود، و شرایط حاکم و حکومت اسلامی را نام برد، و ایمان و نفاق، حق و باطل همه را آشکارا و با تأکید بیان نمود.

عید شمردن روز غدیر و یادآوری حادثه‌ای که در بردارد، بازگ کردن خطبه‌ی پیامبر اکرم که محدثان و مورخان و مفسران- ذیل آیات مربوط- از اهل

۱. آیه ۶۷ سوره‌ی مائده و تفسیر آن ملاحظه شود.

سنت نیز نقل کرده‌اند، نباید برادران سنی ما را نه تنها دلگیر کند، بلکه بر پایه‌ی حقیقت طلبی و شناخت وقایع مسلم تاریخی، باید مورد استقبال آن‌ها نیز قرار گیرد، و بر این مطلب بیندیشند که چرا علمای بزرگ و مصلحان خیراندیش از هزار سال قبل، بر این روز و رویداد آن تکیه کرده‌اند. در بررسی علمی و بی تعصب به این نتیجه می‌رسیم که خطبه‌ی غدیر با حیات اجتماعی اسلام و استقلال و آزادی مسلمانان ارتباط مستقیم دارد، چون شرایط رهبری و سیاست کلی کشورهای اسلامی را تعیین می‌کند، که در زمان ما و عصر اطلاعات اهمیت بیشتر یافته است. زیرا بحث امامت علاوه بر بُعد معنوی و ویژگی‌های امام معصوم، پاسخ این سؤال است که زمام امور مسلمین در دست چه گروهی باید باشد؟

آنان که حقوق سیاسی را در دانشگاه‌های آمریکا و اروپا تحصیل کرده‌اند، و تحت تأثیر آراء آنان هستند، یا فقهایی باتقوا و آگاه به اوضاع زمان و با بصیرت که از قرآن مجید و سنت پیامبر و شیوه‌ی حکومت علی علیه السلام و فرزندان معصومش می‌توانند تکلیف مسلمین را در «حوادث واقعه» استنباط کنند؟ و با بهره‌گیری از متخصصان هر رشته‌ی علمی سیاست کشورهای اسلامی را تدوین نمایند.

ما طرح چنین بحث‌هایی را در این زمان که بیش از

هر زمان شیعه و سنی نیاز به اتحاد و تفاهم دارند، نه تنها مایه‌ی اختلاف نمی‌دانیم بلکه بهترین راه برای معرفی مبانی تشیع و ایجاد حُسن تفاهم با برادران اهل سنت می‌شمیریم؛ و معتقدیم در عصر تحقیق و تفحص، این روش بحث و استدلال عاقلانه‌ترین شیوه برای زدودن شبهات و رفع تهمت‌هایی است که دشمنان مشترک ما به هر دو فرقه‌ی شیعه و سنی زده‌اند.

با اندک تفکر در می‌یابیم که ما مسلمانان در جهان سُلطه‌جوی کنونی و با وجود مستکبرین، دارای دو وظیفه‌ی مهم هستیم: نخست وظیفه‌ی سیاسی-اسلامی، و آن احتراز از مایه‌های تفرقه و ایجاد وسایل اتحاد و حُسن تفاهم است، تا طبق حدیث معروف نبوی همه برادروار مقابل غیر مسلمانان قدرت واحدی باشیم.^۱

دوم: شناخت واقعیات تاریخ اسلام و آنچه بر سر مسلمین آمده، که به صورت کشورهای کوچک و مخالف یک‌دیگر درآمده‌اند. این سرگذشت غم‌انگیز را در تاریخ چند قرن اخیر کشورهای استعمارگر غربی و مستعمره‌ها باید خواند، که جای شرحش نیست؛ پس به چند بحث مقدماتی دیگر- در ارتباط با غدیر- می‌پردازیم.

۱. بخشی از گفتار نبی اکرم ﷺ در مسجد خیف است: المؤمنون إخوةٌ تنكفون دماؤهم، و هم يد علی من سواهم. (تُخَفُ الْعُقُولُ/ص ۴۱)
مؤمنان برادرند، خونشان برابر است و در برابر غیرخودشان همدست می‌باشند.

در بیابان‌های خشک، رگبارهایی در بهاران فرو می‌ریزد. گودال‌هایی خُرد و کَلان در دامنه‌ی کوه و دشت، تشنه و آماده، به قدر گنجایش آب باران را در بر می‌گیرد و ذخیره می‌کند.

این مایه‌ی حیات، رویش گیاهان و درختانی خاص را سبب می‌شود، و گُذریان را در آن هوای گرم به خود می‌خواند، تا دمی بیاسایند... و بدین گونه «غدیر» در طبیعت شکل می‌گیرد، و مورد استفاده واقع می‌شود. غدیر در پارسی به: آبگیر، برکه، تالاب، شَمَر معنی شده است.^۱

در آثار اسلامی از شعر و نثر، تاریخ و حدیث و تفسیر با ترکیب‌های: واقعه‌ی غدیر، روز غدیر، عید غدیر، حدیث غدیر و غدیر خم مکرر برمی‌خوریم، که مقصود از همه‌ی اینها رویداد تاریخی ۱۸ ذیحجه سال دهم، هجری است، و سخنرانی بلندی که رسول اکرم ما ﷺ بعد از اقامه‌ی نماز ظهر در کنار غدیر خُم بیان کرد، و مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام را بر شمرد، و او را به امامت و ولایت مسلمین منصوب کرد.

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا: غدیر. شواهد شعری فارسی را در این مأخذ می‌توان دید.

غدیر خم کجاست؟

در سرزمین عربستان، بین دو شهر بزرگ مکه و مدینه، در فاصله‌ی دو میلی جُحفه، آبگیری است به نام «خُم».^۱ اهمیتی که آب در چنین مناطق خشکی دارد، موجب شده نام این غدیر به صحرایی که در آن واقع شده نیز گفته شود، بدین جهت غدیر خم را وادی بین مکه و مدینه در نزدیکی جُحفه، که پیغمبر ﷺ در آن خطبه خواند نیز نوشته‌اند.^۲

غدیر خم با چند تک درخت بیابانی و آب درون برکه، منزلگاه مناسبی برای کاروانیان و رهگذران فرسوده‌ی میان مکه و مدینه است. به علاوه دارای موقعیت خاصّ جغرافیایی هم می‌باشد، بدین معنی که در بازگشت از مکه، راه اهل مدینه و مصریان و عراقیان در آن جا از یک‌دیگر جدا می‌شود. بنابراین مکان مناسبی برای سخنرانی عمومی و ابلاغ مطلبی همگانی است. پس علت انتخاب آن محل خاص، موقعیت جغرافیایی‌اش بوده است.

از دیر زمان که جغرافی دانان و تاریخ نویسان نامی از «غدیرخم» برده‌اند، این واقعه را یادآور شده‌اند که پیامبر معظم اسلام ﷺ در آن جا خطبه‌ای بلیغ در فضایل علی علیه السلام و اولویّت و امامتش ایراد کرد که انبوهی از مسلمین آن را شنیدند. جمعیتی که تا بیش از صد هزار تن هم تعدادشان را گفته‌اند.

۱. مُعجم البلدان، یاقوت حموی: خُم.

۲. وفیات الأعیان، ۲/۲۲۳.

در تاریخ کهن‌سال بشر روزهایی است مهم و سرنوشت‌ساز. مورخان برای اهمیت فراوان و آثار مفید این ایام، با یادآوری مجدد هر ساله آن روزها را در خاطره‌ی مردم ضبط می‌کنند، و بدین گونه شناسنامه‌ی فرهنگی و کارنامه‌ی افتخارات کشورها نگاشته می‌شود.

این روزهای افتخار آفرین در تقویم‌ها و تواریخ ملل به نام «عید» نامیده می‌شود، یعنی روزی که پیروزی ملی یا شادمانی عمومی در آن «عود» می‌کند، و خاطرات خوش گذشتگان و موفقیت‌های قومی یا دینی و اعتقادی تجدید می‌شود.

در اسلام - آیینی که بر پایه‌ی ایمان و عمل صالح پایه‌گذاری شده - دو عید بزرگ فطر و قربان، بعد از پایان گرفتن مراسم یک ماه روزه و تزکیه‌ی نفس، یا حضور در آیین جهانی حج و بیرون رفتن از تعلقات مادی است، یعنی مسرت و شکرگزاری از توفیقی که که شخص مسلمان برای ادای فریضه‌ی روزه و حج پیدا کرده است.

بعضی دیگر از اعیاد به مناسبت رویداد مهم تاریخی است، که منشأ هدایت و فلاح انسان‌ها شده مانند عید مبعث و غدیر. اگر اهمیت ایام رابه آثار معنوی و تربیتی آنها بدانیم، بی‌شک بعد از مبعث رسول خدا ﷺ روز غدیر مهم‌ترین و گرامی‌ترین روزهاست و سزاوار

بزرگداشت و عید گرفتن می‌باشد، زیرا ادامه‌ی بعثت و تکمیل همان انگیزش فرهنگی، و گذر از ظلمتِ جهل و شرک به نور علم و یکتاپرستی است، و از عداوت زمان جاهلیت به برادری اسلامی.

عید غدیر روز اکمال دین و اتمام نعمت اسلام است، زیرا روزی است که شایسته‌ترین رهبر و حاکم دادگستر برای اجرای احکام قرآن تعیین و تثبیت می‌شود. عید غدیر روزی است که زمام مسلمانان به دست عدالت محض و حق آشکار و توحید خالص سپرده می‌شود.

عید غدیر روزی است که امامت و امیر مؤمنان بودن علی بن ابی طالب علیه السلام از طرف خداوند عالم، به زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ابلاغ گشت، و از مسلمانان در وفای به آن پیمان گرفته شد، و بزرگان اصحاب بر این منصب به او تبریک و تهنیت گفتند، و حسان بن ثابت به زبان رسای شعر واقعه را بازگو کرد.^۱

این مزایا سبب شد که روز ۱۸ ذیحجه برتری خاص یابد، و در سرشت خود روزی مبارک و فرخنده و شایسته عید بودن باشد، به خصوص که از امامان معصوم علیهم السلام ما نیز به اهمیت و عید بودنش تصریح شده است، چنان که امام صادق علیه السلام به نقل از پدران خود می‌فرمایند: پیامبر معظم صلی الله علیه و آله فرمودند:

روز غدیر با فضیلت‌ترین عیدهای امت من است، و آن روزی است که خدای تعالی امر کرد برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام را نشانی راهنما در مسیر حیات امتم قرار دهم، تا پس از من به وسیله‌ی او راه یابند و به ضلالت نیفتند. روزی است که خدا دین را در آن کامل گرداند و نعمت را بر امتم تمام کرد و خشنود شد که اسلام دین آنان باشد.^۱

همچنین حضرت امام رضا علیه السلام در روز غدیر شیعیان و اطرافیان خود را اکرام می‌کردند و بیش از آنچه رسم بود به آنان هدیه می‌دادند.^۲

در کتب تاریخی نیز عید بودن غدیر خم منعکس است، چنان که ریاضی‌دان و مورخ بزرگ ابوریحان بیرونی می‌نویسد: «روز هجدهم ذیحجه عید غدیر خم می‌باشد، و آن منزلی^۳ است که پیغمبر صلی الله علیه و آله پس از حجة الوداع در آن جا فرود آمد...»^۴ سپس گفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در ولایت و تفضیل علی علیه السلام نقل می‌کند.

۱. الغدیر، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲. همان؛ ج ۱، ۲۸۷.

۳. منزل: محل نزول کاروان

۴. ترجمه آثار الباقیه، ص ۳۹۵، متن عربی، ص ۳۳۴

انسان این توانایی را دارد که بر بال اندیشه نشسته، سفر معنوی کند، و فکر خود را به قرن‌های گذشته بفرستد. از این توانایی استفاده می‌کنیم، و از میان حوادث سرنوشت ساز گذشته، مقطعی از تاریخ اسلام را که سال دهم هجری و روز ۱۸ ذیحجه است برمی‌گزینیم، تا صحنه‌ای را که تاریخ‌نویسان و مفسران برای ما ترسیم کرده‌اند بنگریم: اینک دشت جُحفه را لبریز از جمعیت می‌بینیم. شوق شنیدن آخرین تعلیمات آن حضرت، ضربان قلب‌ها را با نرم‌آهنگ عبور لحظات درهم آمیخته، دیدن چهره ملکوتی‌اش چشم‌ها را از انتظار پُر کرده، و گرمای آفتاب تن‌گداز را تحمل‌پذیر کرده است.

با دست خیال پرده‌ی قرون را کنار می‌زنیم، و با پای اندیشه خویشتن را به انبوه هزاران صحابی حج گزارده می‌رسانیم. برای نیوشیدن نوای آسمانی پیامبرمان - که از عمق وجودش بلند است - در مجلس می‌نشینیم، و گفتارش را که با تکرار مُعیدها^۱ به گوش همگان رسانده می‌شود استماع می‌کنیم:

توحید خالص، کمال عبودیت نسبت به پروردگار جهانیان و تسلیم بودن در برابر حُکمش، ادای وظیفه‌ی پیغام رسانی، اعتراف گرفتن از حاضران بر رساندن پیام الهی، بیم از انحراف اُمّت پس از وی و برحذر داشتن از آن، ویژگی و خصوصیات مؤمنان و منافقان، شاهد آوردن از آیات قرآن، بشارت و انداز، معرفی آشکار و

۱. مُعید: اعاده‌کننده‌ی درس یا گفتار (زک: لغت‌نامه دهخدا). در مجالس تدریس یا سخنرانی که جمعیت زیاد بوده از اشخاصی که صوتشان رسا بود، برای تکرار مطالب استفاده می‌کردند، اینان مُعید خوانده می‌شدند.

مکرّر حضرت علی علیه السلام به امامت و توصیه به اطاعت از او، یادکردن امامان معصوم علیهم السلام از نسل او، و مخصوصاً نام بردن از امام مهدی قائم علیه السلام، و بالأخره تعیین حضرت علی علیه السلام به عنوان مخزن علم نبوی و مفسّر قرآن و امیر مؤمنان و میزان حق و باطل و بیعت گرفتن از مردم بر آن، فهرست مطالبی است که از سوی آن رهبر نگران حال مسلمین، ضمن چند ساعت سخنرانی بیان شده، و بر رساندن آنها به آیندگان سفارش شده است.

مأخذ مترجم در نقل خطبه، کتاب **الإحتجاج علی اهل اللجاج**، تألیف ابومنصور احمد بن علی طبرسی است که در نیمه‌ی دوم قرن پنجم و اوایل قرن ششم می‌زیسته است. در کتاب راویان خطبه نام برده شده که از نقلش صرف نظر شد.

در تجدید نظری که برای چاپ دوم به عمل آمد ضمن مقابله‌ی متن خطبه با چاپ جدید **الإحتجاج**، ترجمه‌ی آن نیز بازنگری و اصلاح شد.

امید است ویرایش جدید در صحنه‌ی غدیر، با حجم کمتر، بیانی بهتر یافته باشد، و جوانان بتوانند زودتر در مجلس روحانی و پرشور پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله حضور یابند، و با تندیس عدالت و مجسمه‌ی حقیقت و جانشین نبوت دست بیعت دهند و عملاً پیروی‌اش را پذیرا شوند.

و این است خطابه‌ی بلند و بلیغ رسول خدا و ختم انبیاء صلی الله علیه و آله از بیان امام محمد بن علی - باقر العلوم علیه السلام - برابر روایتی که در کتاب **احتجاج** آمده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ، وَ دَنَى فِي تَفَرُّدِهِ،
وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَ عَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَ أَحَاطَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عِلْمًا، وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَ قَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ
وَ بُرْهَانِهِ، مَجِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ، بَارِيٌّ
الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ، وَ جَبَّارُ الْأَرْضِينَ
وَ السَّمَوَاتِ.

سُبُّوحٌ قُدُّسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى
جَمِيعٍ مَن بَرَاهُ مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مَن أَنْشَأَهُ.
يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَ الْعُيُونُ لَا تَرَاهُ، كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنَاةٍ.
قَدْ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ، وَ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ،
لَا يَعْجَلُ بِإِتْتِقَامِهِ وَ لَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ
عَذَابِهِ.

به نام خدای بخشندهٔ مهربان

سپاس و ستایش خدایی را که در یکتائی‌اش بلند مرتبه، و در عین یگانگی به موجودات نزدیک است، سلطنتش شکوهمند و ارکان قدرتش با عظمت است. بدون هیچ حرکت و انتقالی علم و آگاهی‌اش همه چیز را فرا گرفته است، با قدرت و بُرهانش بر عموم آفریدگان قاهر و غالب می‌باشد.

بزرگواری‌اش دائم و همواره مورد حمد و ستایش است. بر فرازنده‌ی بلندی‌ها و گستراننده‌ی سطح زمین و مسلط بر زمین و آسمان‌هاست.

بسیار منزّه و پاک از هر عیب و بدی و پروردگار فرشتگان و روح است. تفضّل کننده بر آنچه پدید آورده و افزون بخش بر آنچه که ایجاد کرده.

هر چشمی را می‌بیند ولی چشم‌ها او را نمی‌بیند. کریم و بُردباری که بندگان را مهلت داده (با آنها مدارا می‌کند). رحمت و سיעش همه چیز را فرا گرفته، و با نعمت فراوانش به آفریده‌هایش احسان کرده است. در انتقام گرفتن (از گردنکشان) شتاب نکند و در عذابی که استحقاقش را یافته‌اند سرعت نگیرد.

قَدْ فَهَمِ السَّرَائِرَ، وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَ لَمْ تَخْفَ عَلَيْهِ
الْمَكْنُونَاتُ، وَ لَا اشْتَبَهَتْ عَلَيْهِ الْحَفِيَّاتُ.

لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ الْعَلَبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَ
الْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ الْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ. وَ لَيْسَ
مِثْلُهُ شَيْءٌ، وَ هُوَ مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ.

دَائِمٌ قَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.
جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ،
وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.

لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ وَصْفَهُ مِنْ مُعَايِنَةٍ، وَ لَا يَجِدُ أَحَدٌ
كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَ عَلَانِيَةٍ، إِلَّا بِمَا دَلَّ عَزَّ وَ جَلَّ
عَلَى نَفْسِهِ.

وَ أَشْهَدُ بِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ، هُوَ الَّذِي
يَغْشَى الْأَبَدَ نُورُهُ، وَ الَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ بِلا مُشَاوَرَةٍ مُشِيرٍ،

مطالب پنهانی را می‌فهمد و به آنچه در ضمیر و باطن افراد است علم دارد. که نهفته‌ها بر وی پوشیده نیست و آنچه مخفی است موجب اشتباه او نمی‌شود. او را بر همه چیز احاطه و غلبه است توان و نیرویش در هر شیء نافذ و قدرتش بر همه چیز مسلط است، او را هیچ مثل و مانندی نیست، هستی بخش اشیا است آنگاه که هیچ چیز وجود نداشت.

جاویدان موجودی که بر پای دارنده قسط^۱ است. معبودی نیست جز او که عزیز^۲ و حکیم^۳ است.

برتر است از اینکه دیدگان او را دریابند، ولی او دیدگان را دریافته می‌بیند، که او لطیف^۴ و آگاه است. هیچ کس با دیدن نمی‌تواند او را وصف کند، و احدی چگونگی نهان و آشکار او را نمی‌یابد، جز آنچه که ذات عزّ و جلّ خود به شناسائی‌اش دلالت فرموده است.

شهادت می‌دهم که اوست خدایی که سراسر گیتی را آثار قدس و پاکی‌اش پر کرده. اوست خدایی که نورش ابدیت را فرا گرفته است. آفریدگاری که فرمانش را بدون مشورت با کسی اجرا می‌کند.

۱. قسط: نصیب و قسمتی که عادلانه به هر کسی برسد.

۲. عزیز: قاهر و غالبی که هیچ‌گاه مغلوب نشود.

۳. حکیم: دانای حقیقی - استوارکار - درست کار درست گفتار.

۴. لطیف: عالم به دقائق امور - باریک دان.

وَلَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرٍ، وَلَا تَفَاوُتَ فِي تَدْبِيرٍ.
 صَوَّرَ مَا أَبْدَعَ عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِلَا
 مَعُونَةٍ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكَلُّفٍ وَلَا إِحْتِيَالٍ.
 أَنْشَأَهَا فَكَانَتْ، وَبَرَّأَهَا فَبَانَتْ. فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ
 إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةَ الْحَسَنُ الصَّنِيعَةَ.
 الْعَدْلُ الَّذِي لَا يَجُورُ، وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ
 الْأُمُورُ.

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ وَ خَضَعَ
 كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَالِكُ الْأَمْلاكِ وَ مُفْلِكُ الْأَفْلاكِ وَ
 مُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ، كُلُّ شَيْءٍ لِأَجْلِ مُسَمًّى.
 يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ يُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ،
 يَطْلُبُهُ حَتِيثًا.

قَاصِمُ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ مُهْلِكُ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.

و در تقدیر و اندازه گیری امور او را شریک و در تدبیرش هیچ اختلاف و نابسامانی نیست. آنچه را ایجاد کرده بدون الگو و نمونه‌ی قبلی به تصویر کشیده، و هر آنچه را آفریده بی کمک احدی و به رنج افتادن و چاره‌جویی بوده است. آفرید پس موجودات هستی یافتند، ایجاد نمود و عالم ظهور یافت، پس اوست خدائی که جز او معبودی نیست، صنّعش استوار و نو ساخته‌اش نیکوست.

همه عدل است و ستم نکند و کریمی است که بازگشت امور عالم به اوست.

گواهی می‌دهم اوست خدایی که همه چیز در برابر قدرتش به فروتنی سر نهاده و در برابر شکوهش خاضع و کوچک است.

مالک و صاحب املاک (مال‌ها و حکومت‌ها) و گرداننده‌ی افلاک است. تسخیر کننده‌ی خورشید و ماه که هر یک تا زمان معلومی به حرکت خود ادامه می‌دهد. توانایی که شب را به روز و روز را به شب می‌پوشاند در حالی که هر یک دیگری را شتابان می‌طلبد. در هم شکننده‌ی هر ستمگر کینه توز و ستیزه جو، و نابود کننده‌ی هر شیطان سرکش است.

لَمْ يَكُنْ مَعَهُ ضِدٌّ وَلَا نِدٌّ، أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَا لَمْ
يُولَدْ وَلَا لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ.

إِلَهُ وَاحِدٌ وَ رَبُّ مَا جَدُّ، يَشَاءُ فَيَمْضِي، وَ يُرِيدُ
فَيَقْضِي، وَ يَعْلَمُ فَيُحْصِي، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ يُفْقِرُ وَ
يُعْنِي، وَ يُضْحِكُ وَ يُبْكِي، وَ يَمْنَعُ وَ يُعْطِي.

لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ.

مُجِيبُ الدُّعَاءِ وَ مُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَ
رَبُّ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ.

لَا يُشْكَلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَ لَا يُضْجِرُهُ صُرَاخُ
الْمُسْتَضْرِحِينَ، وَ لَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاحُ الْمُلْحِينِ.

برای او ضد و شبیه و شریکی^۱ نیست. یکتایی که مقصود همگان و پناه نیازمندان است، نمی‌زاید و زاییده هم نشده است، هیچ‌کس همتا و همانند او نمی‌باشد.

خدایی یگانه و پروردگاری بلند مرتبه که آنچه بخواهد اجرا می‌کند، و هر چه را که اراده فرماید بر طبق آن حکم می‌کند. همه چیز را می‌داند و شماره می‌کند، می‌میراند و زنده می‌گرداند، تهی دست می‌کند و بی‌نیاز می‌گرداند، می‌خنداند و به گریه در می‌آورد، عطایش را باز می‌گیرد و می‌بخشد سلطنت و فرمانروایی او راست و ستایش ویژه‌ی او، خوبی‌ها همه به دست اوست و همه بر همه چیز تواناست. شب را به روز و روز را به شب داخل می‌کند. معبودی نیست جز او که قدرتمند بسیار آمرزنده است. اجابت‌کننده‌ی دعا، بخشنده‌ی عطا، شمارشگرِ نفسها پروردگارِ جن و مردم می‌باشد.

هیچ کاری بر او سخت و دشوار نیست، فریاد دردمندان او را آزرده و دلتنگ نسازد، پافشاری اصرارکنندگان او را ملول و خسته نکند.

۱. نَدِيدُ الشَّيْءِ مُشَارِكُهُ فِي جَوْهَرِهِ وَ ذَالِكَ ضَرْبٌ مِنَ التَّمَاثُلِ. (المفردات): ندید هر شیء شریک در ذاتش می‌باشد و این نوعی از همانندی می‌باشد.

الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَ الْمُؤَفَّقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى
 الْمُؤْمِنِينَ وَ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛ الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ
 خَلْقٍ أَنْ يَشْكُرَهُ وَ يَحْمَدَهُ عَلَى السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ
 وَ الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ.

وَ أَوْمِنُ بِهِ وَ بِمَلَائِكَتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رُسُلِهِ. أَسْمَعُ
 أَمْرَهُ وَ أَطِيعُ وَ أَبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ، وَ اسْتَسْلِمُ
 لِقَضَائِهِ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَ خَوْفًا مِنْ عِقَابَتِهِ، لِأَنَّهُ
 اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمِنُ مَكْرَهُ وَ لَا يُخَافُ جَوْرَهُ.

وَ أَقْرُّ لَهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ، وَ أَشْهَدُ لَهُ
 بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَ أُوَدِّي مَا أَوْحَى إِلَيَّ حَذْرًا مِنْ أَنْ لَا
 أَفْعَلَ، فَتَحَلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَ
 إِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.

لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي إِنْ لَمْ أَبْلُغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فَمَا بَلَّغْتُ
 رِسَالَتَهُ، وَ قَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْعِصْمَةَ وَ
 هُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ فَأَوْحَى إِلَيَّ:

نگهدار شایستگان (از خطا و لغزش)، توفیق بخش رستگاران، صاحب اختیار مؤمنان و پروردگار جهانیان است چنین خدایی حق دارد و سزوار است که همه‌ی آفریدگان شکرش کنند و در شادی و بدحالی و سختی و راحتی سپاس و حمدش گویند.

به او و فرشتگان و کتاب‌ها و رسولانش ایمان دارم. امرش را می‌شنوم و اطاعت می‌کنم. به هر کاری که او را خشنود می‌کند سرعت می‌گیرم. حُکمش را گردن نهاده تسلیم می‌شوم، که طاعتش را مایل بوده از عقوبتش بیمناکم، زیرا او خدایی است که نه کسی ایمن از مکر و فرو گرفتن ناگهانی اوست و نه وحشت و ترسی از ظلمش دارد.

به بندگی‌ام نسبت به خداوند اقرار می‌کنم و به پروردگاری‌اش گواهی می‌دهم. آنچه بر من وحی نموده ادا می‌کنم زیرا می‌ترسم که اگر انجام ندهم عذاب کوبنده‌ای از او بر من فرود آید که احدی نتواند آن را از من دفع کند، هر چند بسیار تدبیر و چاره‌سازی کند که جز او خدایی نیست.

همانا او به من اعلام فرمود که اگر آنچه بر من نازل شده ابلاغ نکنم وظیفه‌ی رسولی و پیام‌رسانی او را انجام نداده‌ام و خدای تعالی هم ضمانت کرده که مرا حفظ کند و او خدای کفایت‌کننده‌ی کریم است پس بر من وحی فرستاد:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ». «مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا قَصَّرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أُنزِلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ وَأَنَا مُبَيِّنٌ لَكُمْ سَبَبَ نُزُولِ هَذِهِ الْآيَةِ.

إِنَّ جِبْرِئِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ وَأُعَلِّمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدَ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي. وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ. وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ».

به نام خدای بسیار بخشنده‌ی مهربان.

ای رسول! آنچه از پروردگارت به تو نازل شد به مردم برسان که اگر نکنی و نرسانی رسالتش را ابلاغ نکرده‌ای [و وظیفه پیغامبری را ادا ننموده‌ای، مترس که] خدا ترا از شرّ مردم حفظ خواهد کرد^۱.

ای مردم! در رساندن آنچه خدای تعالی بر من نازل کرده کوتاهی نکرده‌ام، و اینک سبب نزول این آیه را برای شما روشن می‌سازم:

همانا جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمد و از جانب خداوند سلام^۲، پروردگارم- و فقط او سلام است- به من فرمان داد که در این جمع و حضور همگانی بر پا ایستم و بر هر سفید پوست و سیاه چهره‌ای (همگان) اعلام کنم که علی فرزند ابوطالب برادر و وصی و جانشین من و امام بعد از من است. آن کس که نسبت و منزلتش به من چون نسبت و موقعیت هارون به موسی است، جز اینکه بعد از من پیامبری نیست.

او ولی و سرپرست شماست بعد از خدا و پیامبرش. خدای تبارک و تعالی در این مورد آیه‌ای از کتابش بر من فرو فرستاد: «همانا ولیّ امر و صاحب اختیار شما تنها خدا و رسول او و آن مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته در حال رکوع [به فقیر] زکات می‌دهند»^۳.

۱. سوره مائده، آیه ۶۷. برای ملاحظه‌ی شأن نزول این آیه رجوع شود به: الدر المنثور، ج ۲/۲۹۸.

۲. خدای تعالی از آن جهت به «سلام» موصوف شده که از عیوب و آفاتی که به خلق می‌رسد سالم و دور است. (المفردات)

۳. سوره مائده، ۵۵. به اتفاق مفسرین عامّه و خاصّه این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شده. رجوع شود به: الکشاف، ج ۱، ۶۴۹/۱، مجمع البیان، ۳/۲۱۰-۲۱۱ و دیگر تفاسیر ذیل آیه.

وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ
هُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ.
وَ سَأَلَتْ جِبْرِئِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ
إِلَيْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَ كَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ
وَ إِدْغَالِ الْآثِمِينَ وَ خْتَلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ،
الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ يَقُولُونَ بِاللَّسْتِنَهُمْ
مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَ «يَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ
عَظِيمٌ»^۱ . وَ كَثْرَةَ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ، حَتَّى سَمُّونِي أَذْنًا
وَ زَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَ إِقْبَالِي
عَلَيْهِ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ذَلِكَ: « وَ مِنْهُمْ
الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَ يَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ
لَكُمْ»^۲ .

۱. سورہ نور، ۱۵. با اندک تفاوت

۲. سورہ توبہ، ۶۱.

و این علی پسر ابوطالب است که نماز به پا داشت و در حال رکوع زکات پرداخت و اوست که در همه حال جز خدای عزّ و جلّ هدف و مقصود دیگری ندارد.

من از جبرئیل خواستم که مرا از رساندن و گفتن این پیام به شما مردم مُعاف دارد، زیرا از کمی متّین و زیادی منافقین و نیرنگِ گناهکاران و فریبِ مسخره‌کنندگانِ اسلام آگاه بودم و همانان که خداوند در کتابش وصف کرده می‌فرماید: «به زبان‌هایشان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست، و این را برای خود کاری ساده و بی‌اهمیت حساب می‌کنند در حالی که نزد خدا خطایی بزرگ است.» آنانکه نه یک بار بلکه همواره مرا بسیار می‌آزردند تا جایی که مرا اذُن (حرف شنو و خوش‌باور) نامیدند و گمان کردند، به جهت همراهی زیادی علی با من و عنایت من به او این چنین هستم تا اینکه خدای عزّوجلّ در این باره آیه‌ای نازل فرمود: «از ایشان کسانی هستند که پیامبر را اذیت می‌کنند و می‌گویند او اذُن (حرف‌شنو زودباور) است، تو بگو زود باوری او به نفع شماست».

وَ لَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ الْقَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ
لَسَمَّيْتُ، وَأَنْ أَوْمِي إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ لِأَوْمَاتٍ وَأَنْ أَدُلَّ
عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ، وَ لَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكَرَّمْتُ.
وَ كُلُّ ذَلِكَ لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ
إِلَيَّ ثُمَّ تَلَا:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ
لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۗ»
فَاعَلَّمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا وَ
إِمَامًا مُفْتَرَضَةً طَاعَتُهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ
عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ وَ عَلَى الْبَادِي وَ الْحَاضِرِ وَ
عَلَى الْأَعْجَمِيِّ وَ الْعَرَبِيِّ وَ الْحُرِّ وَ الْمَمْلُوكِ وَ الصَّغِيرِ
وَ الْكَبِيرِ وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَ الْأَسْوَدِ، وَ عَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ
مَاضٍ حُكْمُهُ جَائِزٌ قَوْلُهُ نَافِذٌ أَمْرُهُ.

اگر می‌خواستم گویندگانِ چنین گفتاری را نام ببرم بیان می‌کردم و به فرد فردشان اشاره می‌نمودم و یک یکشان را معرفی می‌کردم، اما به خدا سوگند در مورد آنها بزرگواری می‌کنم. با همه‌ی اینها خدا از من راضی نمی‌شود، مگر آنچه بر من فرو فرستاده برسانم. سپس تلاوت فرمود:

«ای پیغامبر! آنچه از پروردگارت به تو نازل شده برسان که اگر عمل نکنی رسالتش را ابلاغ نکرده‌ای، [پروا مکن که] خدا ترا از شرّ مردم حفظ می‌کند».

پس بدانید ای مردم: خداوند او را به سرپرستی و امامت شما منصوب کرده، پیشوایی که فرمانبرداری‌اش بر مهاجرین و انصار و تابعین^۱، بر بیابانی و شهری، غیر عرب و عَرَب، آزاده و بنده، کوچک و بزرگ، سفید و سیاه واجب و حتمی است و بر هر مؤحدی فرمانش جاری و گفتارش روا و به‌جا و امرش نافذ است.

۱. تابعین: افاضل مسلمین را در زمان حضرت رسول ﷺ مصاحب رسول می‌نامیدند، زیرا فضیلتی برتر از این عنوان نبود و بدین سبب آنها را «صحابه» می‌گفتند، و چون عصر دوم اسلام فرا رسید آنانکه درک صحبت صحابه حضرت رسول ﷺ را کرده بودند تابعین خوانده می‌شدند. (نفحات الانس جامی، به نقل از لغت نامه دهخدا، تابعین).

مَلْعُونٌ مِّنْ خَالِفِهِ، مَرْحُومٌ مِّنْ تَبِعِهِ، مُؤْمِنٌ مِّنْ صَدَقِهِ
فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَأَطَاعَ لَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ آخِرُ مَقَامٍ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ
فَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا، وَانْقَادُوا لِأَمْرِ رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ
وَ جَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَ الْهُكْمُ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُكُمْ
مُحَمَّدٌ ﷺ وَلِيِّكُمْ، وَ الْقَائِمُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ
بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيِّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ
فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ عَزَّ اسْمُهُ وَ
رَسُولُهُ.

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَ لَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ.
عَرَّفَنِي [اللَّهُ] الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ، وَ أَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا
عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ كِتَابِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ اللَّهُ فِيَّ،
وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلِّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ،

هر که با او مخالفت کند ملعون است و کسی که پیروی‌اش کند مورد رحمت الهی است، آن‌که تصدیقش نماید مؤمن است. سخن نیوش و طاعت‌پذیر او مشمولِ آمرزش خداوندی است.

ای گروه مردم! این آخرین نوبت است که در حضور انبوه شما به سخن برخاسته‌ام. به گفتارم گوش فرا داده بپذیرید، و فرمان پروردگارتان را گردن نهید، که خدای عزوجل همو اختیار دار و معبود شماست، بعد از او پیامبرتان محمد ﷺ و ولی و سرپرست شماست، همان که اینک با شما به سخن ایستاده است، آنگاه بعد از من به فرمان خدا، علی سرپرست و امام شماست، سپس امامت و رهبری تا ملاقات خدا و رسولش در رستاخیز، بر ذریه‌ی من از فرزندان اوست.

جز آنچه خداوند حلال و حرام فرموده چیزی حلال و حرام نیست. خدا حلال و حرام را به من شناساند و من آنچه پروردگارم از حقایق قرآن و حلال و حرام به من آموخت به علی واگذار کردم.

ای مردم! هیچ علمی نیست مگر اینکه خداوند در من فراهم آورده است، و من همه‌ی دانش‌هایم را در پیشوای متقین گردآورده قرار دادم،

وَ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ قَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا، وَ هُوَ الْإِمَامُ
الْمُبِينُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تَضِلُّوا عَنْهُ وَ لَا تَتَفَرُّوا مِنْهُ، وَ لَا
تَسْتَنْكِفُوا مِنْ وِلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ
يَعْمَلُ بِهِ، وَ يُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَ يَنْهَى عَنْهُ، وَ لَا تَأْخُذْهُ
فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَآئِمٌ.

ثُمَّ إِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ، وَ هُوَ الَّذِي فَدَى
رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ وَ هُوَ الَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ لَا
أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضِّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَ اقْبَلُوهُ فَقَدْ
نَصَبَهُ اللَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَ لَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَيَّ
أَحَدٍ أَنْكَرَ وِلَايَتَهُ وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ، حَتَّمَا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ
يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا
شَدِيدًا نُكْرًا أَبَدَ الْآبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ.

و دانشی نیست که به علی نیاموخته باشم و او امامی است که آنها را برای شما بیان می‌کند!

ای مردم! از علی منحرف نشوید و از او کناره نگیرید، و از ولایت و زعامت او سر باز نزنید، همانا او کسی است که به حق راهبری کرده به آن عمل می‌کند، و باطل را در هم کوبیده از آن نهی می‌کند، و هیچگاه سرزنش ملامت‌گری او را از راه خدا باز نمی‌دارد.

علاوه بر این، علی اولین کسی است که به خداوند و رسولش ایمان آورد و خود را فدایی رسول خدا گرداند. او کسی است که با رسول خدا بود، و هیچ مردی جز او با رسول الله خدا را عبادت نمی‌کرد.

ای مردم! او را برتر بدارید که خداوند او را برتری و فضیلت داده است. او را بپذیرید که خداوند او را نصب کرده است.

ای مردم! علی امام از طرف خداست. خداوند هرگز توبه منکر ولایت او را نپذیرد، و هرگز او را نیامرزد. بر خداوند حتم است که با مخالف فرمانش در این باره بدین‌گونه عمل کند، و او را همواره و جاودان به عذاب سخت معذب سازد.

فَاَحْذَرُوا اَنْ تُخَالِفُوا فَتَصْلُوا نَارًا وَقُودَهَا النَّاسُ وَ
الْحِجَارَةُ اُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ بِي - وَاللّٰهِ - بَشَرَ الْاَوْلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ
وَ الْمُرْسَلِينَ وَ اَنَا خَاتَمُ الْاَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ، وَ
الْحُجَّةُ عَلٰى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ اَهْلِ السَّمَاوَاتِ
وَ الْاَرْضِيْنَ.

فَمَنْ شَكَ فِي ذَلِكَ فَهُوَ كَافِرٌ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْاُولٰى،
وَ مَنْ شَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِيْ هَذَا فَقَدْ شَكَ فِي كُلِّ
مِنْهُ، وَ الشَّاكُ فِي ذَالِكَ فَلَهُ النَّارُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَانِي اللّٰهُ بِهَذِهِ الْفَضِيْلَةِ مَنَّا مِنْهُ
عَلَيَّ وَ اِحْسَانًا مِنْهُ اِلَيَّ، وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ
مِنِّيْ اَبَدَ الْاَبَدِيْنَ وَ ذَهَرَ الدّٰهِرِيْنَ عَلٰى كُلِّ حَالٍ.

بترسيد از مخالفت (پروردگار) که به آتشی دچار
خواهيد شد که مایه‌ی سوختش مردم و سنگِ آتش
افروز است که برای کفر پیشگان مهیا شده است.

ای مردم! به خدا سوگند همه‌ی پیامبران و رسولان
پیشین به آمدن من بشارت داده‌اند و من خاتم انبیا
و آخرین رسولانم و حجّت بر همه‌ی آفریدگان از
آسمانیا و اهل زمینم.

آن‌کس که در این باره شک کند کافر است چون
کفر زمانِ جاهلیت نخستین. کسی که در چیزی از
این سخنم تردید کند چنان است که در تمام سخنانم
تردید کرده است، و کسی که در چنین مطلبی شک
کند سزاوار آتش است.

ای مردم! این فضیلتی است از طرف خدا بر من و
مّتی است که پروردگار بر من نهاده است، و احسانی
است که او بر من نموده، و معبودی جز او نیست،
ستایش و سپاسِ جاودانی من برای همیشه‌ی روزگار
و در هر حال ویژه‌ی اوست.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَضُّلُوا عَلَيَّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي
 مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْتَى، مَا أَنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ،
 مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَعْضُوبٌ مَعْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي
 هَذَا، وَ لَمْ يُوَافِقْهُ.

أَلَا إِنَّ جِبْرِئِيلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَ
 يَقُولُ مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَ لَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي
 «فَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَمَتْ لِغَدٍ»، وَ اتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تُخَالِفُوهُ
 فَتَنْزِلَ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ الَّذِي ذُكِرَ فِي كِتَابِهِ، قَالَ تَعَالَى:
 «أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ أ».
 مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَ افْهَمُوا آيَاتِهِ، وَ انظُرُوا إِلَى
 مُحْكَمَاتِهِ وَ لَا تَتَّبِعُوا مُتَشَابِهَهُ،

ای مردم! علی را مقدّم دارید و از خود برتر بدانید همانا او بعد از من شایسته‌ترین انسان از مردان و زنان است تا خداوند روزی فرو می‌فرستد و هستی برجاست (یعنی تا پایان دنیا).

ملعون است ملعون است، مغضوب است، مغضوب است کسی که این سخنم را رد کرده با آن موافقت نکند. بدانید! جبرئیل از جانب پروردگرم مرا به این امر آگاه نمود و چنین می‌گوید: هرکس با علی دشمنی ورزد و ولایتش را نپذیرد لعنت و خشم من بر او باد. «هرکس باید بیندیشد که برای فردای خود چه پیش فرستاده» و پرهیزد از مخالفت امر خدا، چه بسا قدم‌ها که پس از استواری بلغزد و به خطا رود، همانا خداوند به آنچه عمل می‌کنید آگاه است.

ای مردم! علی همان «جَنبُ اللَّهِ» است که در کتابش ذکر فرموده. خدای تعالی گفت: [در آن روز] هر کسی می‌گوید: ای اندوها و دریغا بر آنچه در جَنبِ خدا از دست دادم.

ای مردم! در قرآن ژرف اندیشی کنید و آیاتش را بفهمید، در محکّماتش نیک بنگرید. و از متشابهاتش پیروی مکنید.

فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَا يُوضِحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ
إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَ مُصْعِدُهُ إِلَيَّ وَ سَائِلٌ بِعَضُدِهِ
وَ مُعَلِّمُكُمْ:

أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، وَ هُوَ عَلِيٌّ بِنُ
أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيِّ، وَ مَوْلَاتُهُ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَ الطَّيِّبِينَ مِنْ وُلْدِي هُمْ
الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَ الْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، وَ كُلُّ وَاحِدٍ
مُنْبِيءٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا
عَلَيَّ الْحَوْضَ. هُمْ أَمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكْمَاؤُهُ فِي
أَرْضِهِ.

أَلَا وَ قَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَ قَدْ أَدَّيْتُ، أَلَا وَ قَدْ أَسْمَعْتُ،
أَلَا وَ قَدْ أَوْضَحْتُ. أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ وَ أَنَا
قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ

سوگند به خدا هرگز کسی برایتان نواهی و مُحَرّمات قرآن را روشن نسازد و تفسیر آیاتش را برای شما آشکار نکند مگر این کسی که من دستش را گرفته به طرف خود بالا آوردم و اینک بازویش را بلند کرده‌ام و اعلام می‌کنم:

هر که من مولا و صاحب اختیار اویم این علی مولا و اختیاردار اوست، او علی پسر ابی طالب برادر و وصی من است، [کسی است که] توصیه‌ی دوستی و یاری اش از جانب خدای عزّوجلّ بر من نازل کرده است. ای مردم! علی و پاکان از فرزندانم همانان ثقل^۱ کوچک‌تراند و قرآن ثقل بزرگ‌تر.

و هر یک از این دو خبر از قرین و همتایش می‌دهد و موافق آن است^۲، این دو هرگز از هم جدا نگردند تا در کنار حوض (در بهشت) بر من وارد شوند. اینان امین خداوند در بین مردم و حکیمان الهی در زمین‌اند. آگاه شوید! که امر الهی را ابلاغ کردم، بدانید که ادای وظیفه نمودم. هان! که پیام را به سمعتان رساندم متوجّه باشید که امر الهی را واضح کردم. بدانید که خدای عزّوجلّ گفت، و من از جانب او می‌گویم:

۱. نقل: هر شیء نفیس محفوظ. و به همین معناست «آتی تارک فیکم الثقلین، القرآن و عترتی». (اقرّب الموارد: نقل). توضیح بیشتر را در کتابچه‌ی حدیث الثقلین ص ۴۱ توان دید.

۲. یعنی قرآن عترت را توصیف می‌کند و عترت قرآن را تفسیر می‌نماید.

أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرَ أَخِي هَذَا وَلَا يَحِلُّ
إِمْرَةً الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

(ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ عَلَى عَضِدِهِ فَرَفَعَهُ وَ كَانَ مُنْذُ
أَوَّلِ مَا صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ [عَلَى دَرَجَةٍ دُونَ مَقَامِهِ،
فَبَسَطَ يَدَهُ نَحْوَ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ وَ] شَالَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى
صَارَتْ رِجْلُهُ مَعَ رُكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، ثُمَّ قَالَ:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيٌّ أَخِي وَ وَصِيِّ وَ وَاوِيِّ
عِلْمِي وَ خَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي وَ عَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ
عَزَّ وَ جَلَّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ، وَ الْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَ
المُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ، وَ المُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَ النَّاهِي
عَنْ مَعْصِيَتِهِ.

خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الإِمَامُ الهَادِي
وَ قَاتِلُ النَّاكِثِينَ وَ القَاسِطِينَ وَ المَارِقِينَ.

هان! که امیرالمؤمنین جز همین برادرم نیست و زمامداری و امارت بر مؤمنین بعد از من بر احدی جز او روا و جایز نیست.

(از اوّلی که پیامبر بر منبر خطابه بالا رفت علی یک پله پایین تر از جایگاه او قرار داشت. سخن رسول خدا ﷺ به اینجا که رسید با دست خود به بازوی علی زد، او هم دستش را بطرف رسول خدا ﷺ دراز کرد؛ سپس پیامبر با دست پُرتوان خویش بازوی علی را گرفته بلند نمود، بحدّی که قدمهایش برابر زانوی پیامبر قرار گرفت^۱) آنگاه فرمود:

ای مردم! این علی برادر و وصی و خزانة دانش من است، و در رهبری امت و تفسیر کتاب خدای عزّوجلّ جانشین من می باشد.

این علی مردم را به خدا می خواند، و به آنچه مورد رضایت اوست عمل می کند، و با دشمنانش می ستیزد، یاری کننده بر طاعت خدا و بازدارنده از معصیت اوست.

جانشین رسول خدا و امیرمؤمنان و پیشوای راهنماست،

همو گُشاده‌ی عهد شکنان و جور پیشگان و از دین بیرون رفتگان است.

۱. در اینجا راوی خطبه کیفیت قرار گرفتن علی و بلند کردنش را بر دست رسول اکرم ﷺ شرح می دهد و جزء اصلی خطابه‌ی پیامبر نمی باشد.

بِأَمْرِ اللَّهِ أَقُولُ «مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ» بِأَمْرِ رَبِّي
أَقُولُ:

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ الْعَنْ مَنْ
أَنْكَرَهُ وَ اغْضَبْ عَلَيَّ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ عَلَيَّ أَنَّ الْإِمَامَةَ بَعْدِي لِعَلِيِّ
وَلِيِّكَ عِنْدَ تَبْيَانِي ذَلِكَ وَ نَصْبِي إِيَّاهُ بِمَا أَكْمَلْتَ
لِعِبَادِكَ مِنْ دِينِهِمْ وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْهِمْ نِعْمَتَكَ وَ رَضِيتَ
لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا، فَقُلْتَ:

« وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ
فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ »^۱.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

۱ . سوره ق، ۲۹.

۲ . آل عمران، ۸۵.

به فرمان خدا می‌گوییم - و سخن من تغییر ناپذیر است - زیرا به فرمان پروردگارم می‌گویم:

خداوندا! هر که علی را دوست بدارد او را دوست بدار و هر که با او عداوت ورزد دشمن دار. هر کس علی را انکار کند لعن فرما، و بر کسی که حق مسلم علی را نادیده بگیرد غضب نما.

پروردگارا! بر من نازل نمودی که امامت و پیشوایی بعد از من مختص ولی تو علی است، در آن هنگام که این حکم را بیان نمودم و علی را به این مقام منصوب کردم؛ مقامی که به آن، دین بندگان را کمال بخشیدی و نعمت را بر آنان تمام نمودی، و خشنود گشتی که اسلام دینشان باشد، پس گفتم: «هر کس غیر از اسلام دینی را برگزیند از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران است».

خداوندا! تو را گواه می‌گیرم که (امر تو را ابلاغ کرده) به بندگان رسانیدم.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ،
فَمَنْ لَمْ يَأْتَمَّ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وُلْدِي مَنْ صُلِبَ
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَأُولَئِكَ
الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ،» لا
يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ^۱».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ أَنْصَرُكُمْ لِي وَ أَحَقُّكُمْ بِي
وَ أَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَ أَعَزُّكُمْ عَلَيَّ وَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَنَا عَنْهُ
رَاضِيَانِ وَ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ رَضِيَ إِلَّا فِيهِ، وَ مَا خَاطَبَ
اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَ لَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَدْحٍ فِي
الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَ لَا شَهِدَ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ فِي «هَلْ أَتَى
عَلَى الْإِنْسَانِ^۲» إِلَّا لَهُ، وَ لَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ، وَ لَا
مَدَحَ بِهَا غَيْرَهُ.

۱. بقره، ۱۶۲.

۲. سوره ۷۶ قرآن، دارای ۳۱ آیه.

ای مردم! خدای - که عزتمند و بزرگ است - با امامت او دین شما را کمال بخشید، آن کس که سرِ اطاعت در پیشگاهِ امامت او فرو نیاورد، و امامت فرزندانم از نسل علی را تا روز قیامت و رسیدن به پیشگاه خدا نپذیرد، عملش تباه شده و در آتش جاودان بماند. «چنین کسان عذابشان کاستی نگیرد و مهلتی نخواهند داشت».

ای مردم! این علی بیش از همه‌ی شما مرا نصرت و یاری داده، سزاوارترین و نزدیک‌ترین شما به من است. علی از همگي شما در نزد من ارجمندتر است، من و خدای عزوجل از او راضی هستیم. آیه‌ای متضمن خشنودی پروردگار نازل نشد مگر اینکه علی در آن است، و هر کجای قرآن که مؤمنین طرفِ خطابِ خدا قرار گرفته‌اند نخستین مخاطب اوست. آیه مدحی در قرآن فرو نیامد مگر اینکه علی در آن است. گواهیی که خدا در سوره‌ی « هَلْ آتَىٰ عَلِيَّ الْإِنْسَانُ » در مورد رفتن به بهشت داده ویژه‌ی اوست، و آن سوره را در شأن غیر او نازل نفرموده و در آن کسی جز او مورد ستایش قرار نگرفته است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللَّهِ وَ الْمُجَادِلُ عَنْ
رَسُولِ اللَّهِ، وَ هُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، نَبِيُّكُمْ
خَيْرُ نَبِيِّ وَ وَصِيِّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ، وَ بَنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ
ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ عَلِيٍّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ
بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ تَزِلَّ
أَقْدَامُكُمْ، فَإِنَّ آدَمَ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ،
وَ هُوَ صَفْوَةُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَكَيْفَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ أَنْتُمْ وَ
مِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللَّهِ، إِلَّا إِنَّهُ لَا يُبْغِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَ لَا
يَتَوَالَى عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا، وَ لَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُخْلِصٌ.

ای مردم! علی یاور دین خدا و مدافع حریم رسول خداست. او با تقوای پاک نهاد و راهنمایی راه یافته است. پیامبرتان بهترین انبیاء و وصی شما بهترین اوصیاست، و پسرانش بهترین جانشینانند.

ای مردم! فرزندان هر پیامبری از پشت خود اوست، و ذریه‌ی من از نسل علی است.

ای مردم! ابلیس آدم را به حسد از بهشت بیرون کرد، به او حسد نبرید که اعمالتان تباه شود و قدمهایتان بلغزد. همانا آدم با یک خطا به زمین فرو افتاد با آنکه برگزیده‌ی خدا بود، پس وضع شما چگونه خواهد بود، و حال آنکه شما افرادی عادی هستید که بعضی از شما (انسان‌ها) دشمن خدایید.

بدانید با علی دشمنی نوزد مگر بخت برگشته، و به علی مهر نوزد مگر پارسای خویشتن دار و به او ایمان نیاورد مگر مؤمن با اخلاص.

وَ فِي عَلِيٍّ وَاللّٰهِ نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ:
 «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، وَالْعَصْرِ، اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِي
 خُسْرٍ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَ تَوٰصَوْا بِالْحَقِّ
 وَ تَوٰصَوْا بِالصَّبْرِ».

مَعٰشِرَ النَّاسِ، قَدْ اسْتَشْهَدْتُ اللّٰهَ وَ بَلَّغْتُكُمْ رِسٰلَتِي
 «وَ مَا عَلٰی الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ»^۱.
 مَعٰشِرَ النَّاسِ «اتَّقُوا اللّٰهَ حَقَّ تَقٰتِهٖ وَ لَا تَمُوْتُنَّ اِلَّا وَ
 اَنْتُمْ مُّسْلِمُوْنَ»^۲.

مَعٰشِرَ النَّاسِ، اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَ رَسُوْلِهٖ وَ النُّوْرِ الَّذِيْ اُنزِلَ
 مَعَهٗ^۳ «مِنْ قَبْلِ اَنْ نُّظْمِسَ وُجُوْهًا فَنَرُدَّهَا عَلٰی اَدْبَارِهَا»^۴.
 مَعٰشِرَ النَّاسِ، النُّوْرُ مِنَ اللّٰهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِيْ مَسْلُوْكٍ ثُمَّ
 فِيْ عَلِيٍّ ثُمَّ فِيْ النَّسْلِ مِنْهُ اِلَى الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الَّذِيْ يَأْخُذُ
 بِحَقِّ اللّٰهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا لِاَنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ جَعَلَنَا
 حُجَّةً عَلٰی الْمُقْصِرِيْنَ وَ الْمُعٰنِدِيْنَ وَ الْمُخٰلِفِيْنَ وَ الْخٰنِنِيْنَ
 وَ الْاَثْمِيْنَ وَ الظّٰلِمِيْنَ وَ الْغٰصِبِيْنَ مِنْ جَمِيْعِ الْعٰلَمِيْنَ.

۱. سوره نور، ۵۴.

۲. سوره آل عمران، ۱۰۲.

۳. اقتباس است از جزء آخر آیه ۱۵۷ سوره اعراف.

۴. جزئی از آیه ۴۷ سوره نسا، شاید کنایه از تغییر خصایص انسانی در منکران حق باشد.

سوره‌ی عصر در شأن علی نزول یافته: «به نام خدای بخشایشگر مهربان. سوگند به عصر [نورانی] رسول یا دوران ظهور ولی عصر (عجله) که انسان همه در زیان و کاستی است.

مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند و یک‌دیگر را به حق سفارش کرده و همدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده‌اند.

ای مردم! خدا را شاهد گرفتم و رسالتم را به شما ابلاغ کردم « و بر رسول جز رسانیدن آشکار پیام نیست».
ای مردم! از خدای بزرگ پروا کنید آن گونه‌که شایسته پرهیز از خداست « و مراقب باشید که جز در حال مسلمانی جان نسپارید».

ای مردم! به خدا و رسولش و نوری (قرآنی) که با او فرود آمد ایمان آورید، « پیش از آنکه صورت‌هایی را محو کنیم، سپس به پشت سر برگردانیم».

ای مردم! « آن نور از سوی خدا در من نهاده شده و بعد از من در علی (علیه السلام) است سپس در نسل او تا قائم مهدی (عجله)، آن که (با قیام فراگیرش) حق خدا و تمام حقوق ما را باز می‌ستاند. همانا خدای عزوجل ما را حجت قرار داده است.

بر جمیع کوتاهی‌کنندگان (در حق ما) و دشمنان و مخالفان و خیانت‌پیشگان و گناهکاران و ستمگران و غاصبان از جهانیان.

۱. آیه‌که درباره جزای یهود لجباز و منکر حق است، بنا بر حدیثی از امام باقر (علیه السلام): منظورش محو کردن صورت‌های آن‌ها از راه هدایت و برگرداندن به عقب قرار گرفتن در مسیر گمراهی است. (تفسیر نمونه، ۴۴۷/۳، به نقل از قرآن حکیم).

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْذِرُكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ
 قَبْلِي الرُّسُلُ أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ
 » وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ
 سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ^۱ .

أَلَا إِنَّ عَلِيًّا هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَ الشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ
 بَعْدِهِ وَوَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ اللَّهُ إِسْلَامَكُمْ فَيَسْخَطَ
 عَلَيْكُمْ، فَيُصِيبِكُمْ بَعْدَابٍ مِنْ عِنْدِهِ إِنَّهُ لِبِالْمِرْصَادِ.
 مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ
 إِلَى النَّارِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ.

ای مردم! شما را بیم و آگاهی می‌دهم که من فرستاده‌ی خدایم که پیش از من فرستادگان الهی بودند، اگر من بمیرم یا کشته شوم شما به عقب برمی‌گردید؟ « آن کس که به روزگار کفر و جاهلیت برگردد به خدا هیچ زیانی نرساند و بزودی خداوند شاکران را پاداش می‌دهد! »

بدانید که علی همان کسی است که به صبر و شکر وصف شده، و بعد از او فرزندانم که از پشت اویند چنین می‌باشند.

ای مردم! بواسطه‌ی قبول اسلام بر خدا منت ننهید که بر شما خشم گیرد، و به عذابش دچار شوید، که همانا او مراقب رفتارتان می‌باشد.

ای مردم! به زودی پس از من پیشوایانی پیدا شوند که شما را به آتش فرا خوانند و روز رستاخیز یاری نشوند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَ أَنَا بَرِيئَانِ مِنْهُمُ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ
أَتْبَاعَهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ» وَ لَبِئْسَ مَثْوَى
الْمُتَكَبِّرِينَ^۱ .

أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ
فِي صَحِيفَتِهِ (قال فذهب على الناس إلا شردمة
منهم أمر الصحيفة^۲).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَ وِرَاثَةً فِي عَقْبِي
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ قَدْ بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ حُجَّةً
عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَ غَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ
أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَ لِدِ أُمِّ لَمْ يُوَلَّدْ فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرِ الْغَائِبِ،
وَ الْوَالِدِ الْوَالِدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَيَجْعَلُونَهَا مُلْكاً وَ
اغْتِصَاباً.

أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ وَ الْمُعْتَصِبِينَ، وَ عِنْدَهَا
« سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ^۳ ».

۱ . نحل، ۲۹ .

۲ جمله از راوی است نه پیامبر

۳ . الرحمن، ۳۱ .

ای مردم! یقیناً خداوند و من از آنان نفرت داشته بیزاریم. ای مردم! این پیشوایان و یاران و پیروان و تابعانشان در پست‌ترین طبقات دوزخ‌اند «و چه بد جایگاهی که متکبران راست».

به هوش باشید اینان اصحاب صحیفه‌اند، باید فرد فرد شما در کارنامه‌ی عمل خود بنگرد (راوی گفت: موضوع صحیفه را مردم در نیافتند مگر عده‌ی اندکی که به یاد داشتند).

ای مردم! من خلافت را به صورت امامت و ارث بردن در فرزندانم - تا روز قیامت - به جا می‌گذارم، همانا که آنچه مأمور به تبلیغ آن بودم رسانیدم. تا بر هر حاضر و غایب، و هر کس که شاهد و حاضر است یا نیست، زاده شده یا هنوز به دنیا نیامده - حجت و دلیل تمام باشد پس بایسته و لازم است هر کس حاضر است پیام را به غایبان برساند، و همچنین تا روز رستاخیز هر پدری باید به فرزندش ابلاغ کند. به زودی این مقام خلافت را غصب نموده به پادشاهی تبدیل خواهند کرد.

هان! لعنت خدا بر غصب‌کنندگان و تعدی‌کنندگان باد. در این هنگام «ای گروه انس و جن! بزودی به حساب کار شما خواهیم پرداخت.

۱. اصحاب صحیفه: گروهی از ملاً و اعیان صحابه‌اند که قراردادی تنظیم کردند و هم پیمان گشتند بر اینکه اعلام کنند پیامبر ﷺ، بعد از خود جانشین تعیین نکرده و حضرت علی خلیفه‌ی بعد از وی نیست. سعید بن العاص الأموی این صحیفه را نوشت و به امانت نزد ابو عبیده سپردند (تلخیص از سفینه‌ی بحار الأنوار: صحف). اینان ظاهراً همان ۱۲ تنی هستند از منافقان که در بازگشت از غزوه‌ی تبوک قصد جان رسول اکرم ﷺ را کردند، ولی پیک الهی پیامبر را از نیت سوء آنان با خبر کرد و توطئه‌شان را خنثی نمود. رجوع شود به بحار الأنوار، ج ۲۱/ ۱۹۶.

وَ « يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّن نَّارٍ وَ نَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ^۱ ».

مَعَاشِرِ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يَكُنْ يَذَرُكُمْ «عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَ مَا كَانَ اللَّهُ يُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ^۲».

مَعَاشِرِ النَّاسِ إِنَّهُ مَا مِنْ قَرِيَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا وَ كَذَلِكَ يُهْلِكُ الْقُرَى وَ هِيَ ظَالِمَةٌ كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى^۳، وَ هَذَا عَلَيَّ إِمَامُكُمْ وَ وَلِيُّكُمْ وَ هُوَ مَوَاعِيدُ اللَّهِ وَ اللَّهُ يُصَدِّقُ مَا وَعَدَهُ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ قَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ وَ هُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ وَ يَلُؤْمُونَ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ^۴».

۱ . الرحمن، ۳۵.

۲ . اقتباس است از آیه ۱۷۹ سوره آل عمران.

۳ . اشاره است به آیاتی مانند: سوره انعام ۱۳۱ و سوره هود ۱۱۷.

۴ . سوره مرسلات، ۱۶ - ۱۹.

و شعله‌هایی از آتش بی‌دود و دودهای متراکم بر شما فرستاده می‌شود و نمی‌توانید از کسی یاری بطلبید.

ای مردم! «خدای عزوجل شما را به حال خود رها نمی‌کند مگر آن‌که ناپاک را از پاک جدا سازد و چنین نیست که خداوند شما را از غیب با خبر کند».

ای مردم! خدا اهل هیچ قریه‌ای را هلاک نکرد مگر به سبب اینکه آیات الهی را تکذیب و انکار کردند، و این سنت جاری خداوندی است که هر جمعیت ظالمی را نابود می‌سازد. همچنان‌که خداوند در کتابش بیان فرموده:

این علی‌امام و صاحب اختیار شماست، و او وعده‌های الهی است، و خداوند آنچه را وعده کرده راست می‌گرداند.

ای مردم! قبل از شما بیشتر پیشینیان گمراه گشتند و خداوند گذشتگان را تباه ساخت و همان خدا هلاک‌کننده‌ی آیندگان (گمراه) است.

خدای تعالی فرمود: «آیا ما اقوام (مجرم) نخستین را هلاک نکردیم؟ سپس دیگر (مجرمان) را به دنبال آن‌ها می‌فرستیم (آری) این‌گونه با مجرمان رفتار می‌کنیم. وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان».

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ
عَلِيًّا وَنَهَيْتُهُ، فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ
فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا، وَأَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَانْتَهُوا لِنَهْيِهِ
تَرْشُدُوا، وَصِيرُوا إِلَى مُرَادِهِ، وَلَا تَتَفَرَّقَ بِكُمْ السُّبُلُ
عَنْ سَبِيلِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ
بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلِيٌّ مِنْ بَعْدِي ثُمَّ وُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَّةٌ
يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ.

(ثُمَّ قَرَأَ سُورَةَ الْحَمْدِ)، وَقَالَ: فِيَّ نَزَلَتْ وَفِيهِمْ
نَزَلَتْ، وَ لَهُمْ عَمَّتْ، وَ إِيَّاهُمْ خَصَّتْ، أَوْلِيكَ «أَوْلِيَاءُ
اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۱ أَلَا «إِنَّ حِزْبَ
اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»^۲.

۱ . سوره یونس، بخشی از آیه ۶۲.

۲ . سوره مائده بخشی از آیه ۵۶.

ای مردم! خداوند به من (واجبات را) آمر و (محرمات را) نهی فرمود و من نیز (آن‌ها را) به علی آمر و نهی کردم، بدین ترتیب علی به آمر و نهی پروردگارش دانا شد. اینک فرمانش را بشنوید تا در امان باشید و اطاعتش کنید تا هدایت یابید. نهی‌اش را بپذیرید تا راه راست را باز یابید. به سمت مراد و مقصود او جهت گیرید دیگر راه‌ها شما را از راهش منحرف نسازد.

ای مردم! من آن صراط مستقیم خدایم که امر کرده از آن پیروی کنید و بعد از من علی چنین است، سپس فرزندانم از نسل او، همان پیشوایانی که به سوی حق هدایت می‌کنند و به حق داوری می‌کنند. آن‌گاه حضرت سوره‌ی حمد را قرائت کرد و گفت: این سوره در شأن من و این امامان نازل شده و آنان را در بر می‌گیرد و ویژه‌ی ایشان است. اینان «اولیاء خدایند که هیچ بیمی بر آنان نیست و نه اندوهگین شوند» هان! که «حزب خدا همان رستگاران و چیره شوندگان اند».

أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمُ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَ النِّفَاقِ وَ
 الْحَادُونَ وَ هُمُ الْعَادُونَ وَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ
 «يُوحَى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا».

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي
 كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ
 الْيَوْمِ الْآخِرِ يُؤَادُونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَوْ كَانُوا
 آبَائَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أُولَئِكَ
 كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ
 اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ
 اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۱.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ:

۱ . سوره انعام، ۱۱۲.

۲ . مجادله، ۲۲.

بدانید که دشمنان علی همان تفرقه افکنان و منافقان و ستیزه جویان اند، و همانان دشمنان حق و برادران شیطان اند که « بعضی از آنان سخنان ظاهر آراسته‌ی فریبا را به بعضی دیگر القاء می‌کنند».

بدانید که دوستان علی و فرزندان او آن دسته مؤمنانی هستند که خداوند در قرآن آنان را یاد کرده درباره‌شان فرموده: «هرگز مردمی که ایمان به خداوند و روز رستاخیز آورده‌اند چنین نخواهی یافت که دوستی با دشمنان خدا و رسول کنند، هر چند آن دشمنان پدران یا فرزندان و برادران و خویشان آنها باشند. آنان کسانی‌اند که خدا بر دل‌هایشان نور ایمان نگاشته و با روحی از خودش آنها را تأیید کرده، و (درقیامت) به بهشتی داخل کند که نه‌های (مصفاً) زیر درختانش جاری است، و جاودان در آن مُتَنَعِمِد. خدا از آنها خشنود و آنان نیز از خدا خشنوداند. آنها (به حقیقت) حزب خدایند، بدانید که حزب خدا رستگارانند».

متوجه باشید که دوستان آنان کسانی هستند خداوند در قرآن این‌گونه توصیفشان نموده است.

«الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبَسُوا اِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ اُولٰٓئِكَ لَهُمُ الْاَمْنُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ».

اَلَا اِنَّ اَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِيْنَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ اٰمِنِيْنَ وَ تَتَلَقَّاهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ بِالتَّسْلِيْمِ اَنْ طَبَّتُمْ فَاَدْخُلُوْهَا خَالِدِيْنَ^۱.

اَلَا اِنَّ اَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِيْنَ قَالَ لَهُمُ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ^۲. اَلَا اِنَّ اَعْدَاءَهُمْ يَصَلُوْنَ سَعِيْرًا.

اَلَا اِنَّ اَعْدَاءَهُمُ الَّذِيْنَ يَسْمَعُوْنَ لِجَهَنَّمَ شَهِيْقًا وَ هِيَ تَفُوْرُ وَ لَهَا زَفِيْرٌ^۳ اَلَا اِنَّ اَعْدَاءَهُمُ الَّذِيْنَ قَالَ اللّٰهُ فِيْهِمْ: «كُلَّمَا دَخَلَتْ اُمَّةٌ لَعْنَتْ اُخْتَهَا»^۴.

اَلَا اِنَّ اَعْدَاءَهُمُ الَّذِيْنَ قَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَجَلَّ: «كُلَّمَا اُلْقِيَ فِيْهَا فَوْجٌ سَاَلَهُمْ خَزَنَتُهَا اَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيْرٌ قَالُوْا بَلٰى قَدْ جَاَءَنَا نَذِيْرٌ فَكَذَّبْنَا وَ قُلْنَا مَا نَزَّلَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا فِيْ ضَلٰلٍ كَبِيْرٍ، وَ قَالُوْا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ اَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِيْ اَصْحَابِ السَّعِيْرِ فَاعْتَرَفُوْا بِذُنُبِهِمْ فَسُحِقًا لِاَصْحَابِ السَّعِيْرِ»^۵.

۱. انعام، ۸۲.

۲. زمر، تضمین بخشی از آیه ۷۳.

۳. سوره غافر، اقتباس از آیه ۴۰.

۴. سوره ملک، اقتباس از آیه ۷.

۵. سوره اعراف، بخشی از آیه ۳۸.

۶. سوره ملک، ۸ - ۱۱.

«آنانکه به خدا ایمان آورده و ایمان خود را به شرک و ستم نیالودند، ایمنی آنها راست و آنها هدایت یافته‌گان اند». بدانید دوستانشان کسانی‌اند که با امن و آرامش در بهشت وارد می‌شوند «و ملائکه در پیش بازشان سلام کرده می‌گویند: خوشا به شما، برای همیشه در بهشت جای می‌گزینید».

بدانید همانا دوستانِ آنان کسانی هستند که خداوند عزوجل در وصفشان می‌فرماید: بدون حساب داخل بهشت می‌گردند». بدانید که راستی دشمنانشان در آتشِ افروخته‌ی دوزخ وارد می‌شوند.

بدانید دشمنان ایشان آنهايند که از جهنم صدایی هولناک و زشت شنوند در حالی که آتش فوران می‌کند و ناله‌ای زار دارد. بدانید دشمنانِ آنان کسانی‌اند که خدا درباره‌شان فرموده: «هنگام ورود به جهنم هر گروهی همتای خود را لعنت و نفرین می‌کند».

بدانید دشمنان این خانواده آنهايند که خداوند فرموده: «هر گروهی را که به آتش در افکنند، عذاب‌سازان و نگهبانان دوزخ از ایشان پرسند: آیا برای شما ترساننده و آگاه‌کننده نیامد؟ گویند آری بیم‌دهنده‌ای آمد، اما او را دروغ‌گو پنداشتیم و گفتیم خدا چیزی نفرستاده، جز این نیست که شما سخت در گمراهی هستید. [اهل دوزخ با تأسف] گویند: اگر ما سخن پیامبران را شنیده یا به دستور عقل رفتار می‌کردیم امروز از دوزخیان نبودیم. آن‌گاه به گناهشان اعتراف کنند [که سودی ندارد و خطاب قهر رسد] که اهل آتش را [از رحمت حق] دوری باد».

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمْ «الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ»^۱.

مَعَاشِرَ النَّاسِ شَتَّانَ مَا بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالسَّعِيرِ فَعَدُّنَا مَنْ ذَمَّهُ اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَوَلَّيْنَا مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَ إِنِّي مُنذِرٌ وَعَلَى هَادٍ^۲.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنِّي نَبِيٌّ وَعَلَى وَصِيٍّ، أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ.

أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ، أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَ هَادِمُهَا، أَلَا إِنَّهُ قَاتِلُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ الشُّرْكِ، أَلَا إِنَّهُ المُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِديْنِ اللَّهِ، أَلَا إِنَّهُ العُرَافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ لَيْسِمُ كُلِّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَكُلِّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.

۱. ملوک، ۱۲.

۲. در قرآن کریم است: إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (الرعد، ۷).

به هوش باشید دوستان این خانواده «آنهایند که از پروردگارشان در پنهان می ترسند [و در باطن خدا ترس اند نه به نفاق و ظاهرسازی] آنها را آمرزش و پاداشی بزرگ [بهشت ابد] خواهد بود».

ای مردم! چه بسیار فرق است بین بهشت و دوزخ [سوزان عذاب دهنده]. دشمن ما کسی است که خداوند او را نکوهش نموده، لعنت کرده است، و دوست ما کسی است که پروردگار او را ستوده و دوست می دارد.

ای مردم! بدانید من بیم دهنده ام و علی هادی و رهنماست. ای مردم! من پیامبر و علی وصی و جانشین من است. بدانید که آخرین امام از ماست که همو قیام کننده و مهدی (هدایت شده) می باشد.

هان! او بر همه ی ادیان پیروز و انتقام گیرنده از ستمگران است.

آگاه باشید او فاتح دژها و درهم کوبنده ی آنهاست. آگاه باشید اوست که همه گروه های اهل شرک را می کشد و آگاه باشید هموست که برای همه ی اولیای خدا خونخواهی می کند.

آگاه باشید که اوست نصرت بخش دین خدا. آگاه باشید اوست که از دریای ژرف [علوم نبوی] فراوان می نوشد. هان! اوست که نشان فضل هر فاضلی و جهل هر جاهلی را بروی می نهد!

أَلَا إِنَّهُ خَيْرَةُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ
 الْمُحِيطُ بِهِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ عَنْ رَبِّهِ الْمُنْبِئُ بِأَمْرِ إِيْمَانِهِ،
 أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ.

أَلَا إِنَّهُ الْمَفْوُضُ إِلَيْهِ أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ
 بَيْنَ يَدَيْهِ أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَ لَا
 حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ. أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ
 لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ، أَلَا وَ إِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حُكْمُهُ
 فِي خَلْقِهِ وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ قَدْ بَيَّنَّتْ لَكُمْ وَ أَفْهَمَتْكُمْ وَ هَذَا عَلِيٌّ
 يُفْهَمُكُمْ بَعْدِي، أَلَا وَ عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ
 إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ
 بَعْدِي. أَلَا وَ إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلِيٌّ قَدْ بَايَعَنِي، وَ
 أَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. «وَ مَنْ نَكَتَ
 فَإِنَّمَا يَنْكُتُ عَلَى نَفْسِهِ».

آگاه باشید او بهترین آفریده‌ی خدا و برگزیده‌ی اوست. بدانید او همه‌ی علوم را به ارث برده و بر آن‌ها احاطه دارد.

هان که او خبر دهنده‌ی از پروردگارش و آگاهی بخش به ایمانش می‌باشد.

هان اوست راه یافته‌ای استوار، که [از سوی خدا امرِ خلاق] به او واگذار شده.

بدانید او کسی است که پیشینیان همه به آمدنش بشارت داده‌اند. بدانید او جاودانه حجتی است که بعد از او حجتی نیست، چنان‌که حقی نیست جز با او، و نوری نیست جز نزد او.

آگاه باشید هیچ‌کس بر او غالب نگردد و کسی که بر ضدّ اوست یاری نشود. آگاه باشید که او ولیّ خدا در زمین، و فرمان خدا در خلق و امین او در امور پنهانی و آشکار است.

ای مردم! من گفتنی‌ها را برایتان روشن گفته به شما فهماندم و این علی عهده‌دار فهماندن آنها بعد از من است. هان! شما را دعوت می‌کنم که بعد از تمام شدن خطبه‌ام، بر پیمان با علی و اقرار به [ولایت و امامت] او با من دست دهید سپس بر همین پیمان دست او را بفشارید.

هان! به تحقیق که من با خدا بیعت نمودم و علی با من بیعت کرده است و من از طرفِ خدای عزّوجلّ برای علی از شما بیعت می‌گیرم، «و هر که پیمان شکنی کند همانا ضررش متوجّه خود اوست».

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ
«فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ
بِهِمَا».

مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَجُّوا الْبَيْتَ فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتِ
إِلَّا اسْتَعْنَوْا وَلَا تَخَلَّفُوا عَنْهُ إِلَّا فَتَقَرُّوا.
مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ
لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَى حَجُّهُ
اسْتُونَفَ عَمَلُهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَ نَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ
وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ حَجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَ التَّفَقُّهِ وَ
لَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَ إِقْلَاعِ.
مَعَاشِرَ النَّاسِ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ كَمَا
أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، لِإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ
أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِي وَلِيَّكُمْ وَ مُبِينٌ لَكُمْ الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّ
وَ جَلَّ بَعْدِي.

ای مردم! حج و عمره از شعائر و نشانه‌های دین خداست « پس هر کس حج خانه‌ی کعبه یا اعمال مخصوص عمره به جا آورد باکی بر او نیست که بر آن دو (صفا و مروه) طواف کند».

ای مردم! آهنگ خانه‌ی خدا کنید که اهل هیچ خانواده‌ای در آن وارد نشد مگر آنکه بی‌نیاز شد و خانواده‌ای از آن روی بر نتافت مگر اینکه فقیر شد. ای مردم! هیچ مؤمنی در موقف نمی‌ایستد مگر اینکه خداوند جمیع گناهان او را تا آن زمان می‌آمرزد و پس از اختتام و پایان حج، پرونده‌ی اعمال نوی برای او گشوده می‌گردد.

ای مردم! حج گزاران از طرف خداوند یاری می‌شوند و هزینه‌هایشان در این راه جبران می‌شود و خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد.

ای مردم! حج را با دین کامل و تَفَقُّه و بصیرت بجا آورید و از مَشَاهِد و مراسم، بدون توبه و کنده شدن از معاصی مراجعت نکنید.

ای مردم! نماز برپای دارید و زکات و حَقِّ مَسَلِّم مالی خود را پردازید، همان گونه که خدا به شما فرمان داده است و اگر بر اثر گذشت زمان [از انجام دادن تکالیف شرعی] کوتاهی کردید یا [حکمش را] فراموش نمودید، پس علی ولیّ شماست و روشن کننده‌ی [احکام] برایتان می‌باشد. همان که خداوند او را بعد از من نصب فرموده.

وَ مَنْ خَلَفَهُ اللهُ مِنْنِي وَ أَنَا مِنْهُ، يُخْبِرُكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ
عَنْهُ وَ يُبَيِّنُ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا وَ
أَعْرِفَهُمَا فَأَمُرُ بِالْحَلَالِ وَ أَنْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ
وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ آخِذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفْقَةَ لَكُمْ
بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةَ مِنَ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنْنِي وَ مِنْهُ
أَيْمَةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ الَّذِي يَقْضَى
بِالْحَقِّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ كُلِّ حَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَ كُلِّ حَرَامٍ
نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ، فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ.
أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَ احْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ، وَ لَا
تُبَدِّلُوهُ وَ لَا تُغَيِّرُوهُ.

و جانشین من قرار داده است، و من هم از اویم. علی پرسشهای شما را پاسخ می‌گوید و آنچه نمی‌دانید برای شما بیان می‌کند.

بدانید حلال و حرام خدا بیش از آن است که بتوانم همه آن‌ها را شماره کرده معرفی کنم، و در یک مجلس امر به همه حلال‌ها و نهی از همه‌ی حرام‌ها کنم، بنابراین مأموریت یافتم تا درباره‌ی قبول آنچه از طرف خدای عزوجل آورده‌ام از شما پیمان گرفته دست تعهد دهیم و آن درباره‌ی علی امیرمؤمنان و امامان بعد از اوست، آنان که هم از من و هم از او هستند اینان امامانی قیام‌کننده به حق هستند- و مهدی از آنان است- تا روز قیامت که به حق حکم می‌کند.

ای مردم! شما را به همه‌ی کارهای روا و حلال دلالت کردم، و از همه‌ی کارهای حرام بازداشتم، من هرگز از این امر و نهی‌ام بر نمی‌گردم و سخنانم را تغییر و تبدیل نمی‌دهم.

هان! که این مطلب را همواره به یاد آورید و به خاطر سپرید و یکدیگر را برآن سفارش کنید، سخنم را عوض نکنید و دگرگون نسازید.

أَلَا وَ إِنِّي أُجَدِّدُ الْقَوْلَ، أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا
 الزَّكَاةَ وَ أَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.
 أَلَا وَ إِن رَأْسَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ
 أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَ تَبْلُغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَ تَأْمُرُوهُ
 بِقَبُولِهِ وَ تَنْهَوْهُ عَنِ مُخَالَفَتِهِ فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ
 وَ مِنِّي، وَ لَا أَمْرَ بِمَعْرُوفٍ وَ لَا نَهْيَ عَنِ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ
 إِمَامٍ مَعْصُومٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ الْقُرْآنَ يُعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ
 وَوَلَدَهُ وَ عَرَفْتَكُمْ أَنَّهُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي
 كِتَابِهِ:

«وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ» وَ قُلْتُ: «لَنْ
 تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا».

مَعَاشِرَ النَّاسِ «التَّقْوَى، التَّقْوَى»، وَ أَحْذَرُ السَّاعَةَ،
 كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ
 عَظِيمٌ»^٢.

١. زخرف، ٢٨.

٢. حج، ١.

توجّه کنید! گفتارم را دیگر باره تکرار می‌کنم:
هان! نماز به پا دارید و زکات را [که حق بینوایان
است] ادا کنید، به نیکی امر کنید و از بدی باز دارید. امّا
بدانید اصل و اساس امر به معروف و نهی از منکر این
است که به گفتار امروز تا آخر کار پا برجا بمانید، و
به کسانی که حاضر نبودند [این پیام را] برسانید و به
قبول آن دیگران را امر کنید، و از مخالفت و سرپیچی از
آن نهی کنید، که همانا این امری است از جانب خدای
عزّوجلّ و از من. امر به معروف و نهی از منکر جز با
قبول امام معصوم علیه السلام تحقق نمی‌یابد.

ای مردم! قرآن پیشوایان بعد از علی را که فرزندان
اویند به شما معرفی می‌کند و من هم به شما شناساندم
که آنها از (نسل) من و علی هستند. آن‌جا که در کتابش
می‌گوید: «توحید را کلمه‌ی ماندگاری در فرزندانش
قرار داد» و من هم [برای معرفی آنها] گفتم: اگر به قرآن
و عترتم چنگ زنید هرگز گمراه نشوید.

ای مردم! تقوی، تقوی! (خویشتن دار باشید) از
لحظه‌ی آمدن رستاخیز بترسید، آن‌چنان‌که خدای
عزّوجلّ فرموده: «همانا زمین لرزه‌ی قیامت حادثه‌ی
بزرگ و سختی است».

أُذْكُرُوا الْمَمَاتَ وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمُحَاسِبَةَ
 بَيْنَ يَدَي رَّبِّ الْعَالَمِينَ، وَ الثَّوَابَ وَالْعِقَابَ. فَمَنْ
 جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي
 الْجِنَانِ نَصِيبٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنْكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفِّ
 وَاحِدَةٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ آخُذَ مِنْ
 أَلْسِنَتِكُمْ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَّدْتُ لِ عَلِيِّ مِنْ إِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ
 مَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنِّي وَمِنْهُ عَلِيٌّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ
 أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ.

فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ
 مُنْقَادُونَ لِمَا بَلَّغْتَ عَنْ رَبِّنَا وَ رَبِّكَ فِي أَمْرِ عَلِيٍّ
 وَأَمْرِ وُلْدِهِ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأَيْمَةِ نُبَايِعُكَ عَلِيٌّ ذَلِكَ
 بِقُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالْأَيْدِينَ وَأَيْدِينَا

مرگ و حساب و برپا شدن میزانها و حسابرسی اعمال در پیشگاه پروردگار جهانیان و پاداش و کیفر را یاد آورید. هرکس کردار نیکو بیاورد پاداش می‌بیند، و آن‌کس که رفتارش ناپسند باشد او را از سرای مینو بهره‌ای نیست.

ای مردم! شما بیشتر از آنید که بتوانید همه تک تک با من بیعت کنید. خدای عزوجل به من فرمان داد که از شما اقرار زبانی بگیرم درباره‌ی پیمانی که با شما بستم راجع به امیر مؤمنان بودن علی علیه السلام و امامانی که بعد از او می‌آیند و از من و اویند همان‌طور که به شما اعلام کردم: فرزندان من از نسل او خواهند بود.

پس همگی یک صدا شده بگویند: شنیدیم، فرمانبرداریم، خشنودیم، گردن نهادیم آنچه را از پروردگار ما و پروردگارت درباره‌ی علی و امیری و فرمانروایی فرزندان از پشت او - که امامان آینده‌اند - به ما ابلاغ کردی.

با دل‌ها و جان‌ها و زبان‌ها و دست‌هایمان با تو بر این مهم بیعت می‌کنیم.

عَلَى ذَلِكَ نَحْيِي وَنَمُوتُ وَنُبْعَثُ. وَلَا نُغَيِّرُ وَلَا
نُبَدِّلُ وَلَا نَنْشُكُّ وَلَا نَزْتَابُ وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ
وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ وَنُطِيعُ اللَّهَ وَنُطِيعُكَ وَعَلِيًّا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ وَوَلَدَهُ الْأَثَمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ
مِنْ صُلْبِهِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ الَّذِينَ قَدْ عَرَفْتُمْ
مَكَانَهُمَا مِنِّي وَمَحَلَّهُمَا عِنْدِي وَمَنْزِلَتَهُمَا مِن رَبِّي -
عَزَّ وَجَلَّ-، فَقَدْ أَدَيْتُ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، وَأَنَّهِنَّ سَيِّدَا
شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، وَأَنَّهِنَّ الْإِمَامَانِ بَعْدَ أَبِيهِمَا عَلِيٍّ
وَ أَنَا أَبُوهُمَا قَبْلَهُ.

وَ قُولُوا أَطَعْنَا اللَّهَ بِذَلِكَ وَ إِيَّاكَ وَعَلِيًّا وَ الْحَسَنَ
وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَثَمَةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَ عَهْدًا وَ مِيثَاقًا
مَأْخُودًا لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ قُلُوبِنَا وَ أَنْفُسِنَا وَ السِّنْتِنَا
وَ مُصَافَقَةِ أَيْدِينَا،

بر این [پیمان] زندگی می‌کنیم و می‌میریم و برانگیخته می‌شویم. هیچ تغییری و تبدیلی در این مهم نخواهیم داد، هیچ دو دلی و تردیدی نخواهیم داشت، از عهدمان بر نخواهیم گشت و پیمانمان را نخواهیم شکست. خدای را فرمانبرداریم و تو و علی علیهما السلام را که امیر مؤمنان است و فرزندان را که امامانند نیز طاعت پذیریم همان امامانی که گفتی فرزندان تو از پشت او بعد از حسن و حسین علیهما السلام هستند. آن دو گراندگری که پایگاه و رتبه‌شان را نزد خودم و منزلتشان را در پیشگاه پروردگارم به شما شناساندم، همانا این مطالب را به شما رساندم، به درستی که آن دو سرور و برتر جوانان بهشتی‌اند، و هر دو آن‌ها بعد از پدرشان علی امامند، و من پیش از علی پدر آن دو هستم.

باز بگویید در این امر اطاعت می‌کنیم خدا و تو را و علی و حسن و حسین علیهم‌السلام و ائمه‌ای را که تو یادآور شدی، تا عهد و پیمانی باشد گرفته شده برای امیر مؤمنین از دل و جان و زبان ما، که با دست بیعت تأیید شده.

مَنْ أَدْرَكَهُمَا بِيَدِهِ وَ أَقْرَبَهُمَا بِلِسَانِهِ، وَ لَا نَبْتَغِي
 بِذَلِكَ بَدَلًا وَ لَا نَرَى مِنْ أَنْفُسِنَا عَنْهُ حَوْلًا أَبَدًا.
 أَشْهَدْنَا اللَّهَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ أَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا شَهِيدٌ،
 وَ كُلُّ مَنْ أَطَاعَ مِمَّنْ ظَهَرَ أَوْ سَتَرَ وَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَ
 جُنُودُهُ وَ عِبِيدُهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَهِيدٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَا تَقُولُونَ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ
 وَ خَافِيَةَ كُلِّ نَفْسٍ، «فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ
 فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا» وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، «يَدُ
 اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^۲.

مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
 وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ كُلَّمَهُ طَيِّبَةً بَاقِيَةَ يُهْلِكُ
 اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى، «فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا
 يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ»^۳ الْآيَةَ.

۱. سوره زمر، ۴۱.

۲ و ۳. سوره فتح، اجزایی از آیه ۱۰.

هر کس آن دو را درک کند دست بیعت می‌دهد و به زبان اقرار می‌کند، و به جای آن چیزی دیگر بر نمی‌گزینیم، و به خود نمی‌بینیم که هیچ‌گاه از پیمانمان برگردیم.

خدا را بر این پیمان گواه می‌گیریم و خدا برای گواه بودن کفایت می‌کند، و تو هم [ای پیامبر] بر ما در این پیمان گواه هستی. هر آن‌کس که اطاعت خدا کند، آشکار باشد یا پنهان، و فرشتگان خدا و لشکریان و بندگانش (همه را به گواهی می‌طلبیم) و خدای تعالی برتر از هر گواه و ناظری می‌باشد.

ای مردم! آنچه می‌گویید [با توجه و مراقبت باشد که] همانا خدا می‌داند هر صدا را، و آنچه در دل پنهان دارید. «هرکس هدایت شود به سود خود اوست، و هرکس گمراه گردد یقیناً به زیان خودش تمام شود». کسی که بیعت کند در حقیقت با خدا بیعت نموده است، و «دست خدا زبر دستهایشان است».

ای مردم! از [خشم] خدا پرهیزید، و با علی امیر مؤمنان و حسن و حسین و امامان [بعد از او] که کلمه‌ی پاکِ پایدار الهی‌اند بیعت کنید. خدا هر که را خیانت کرده پیمان شکنند هلاک می‌کند و کسی را که به پیمانش وفا کند مشمول رحمتش می‌گرداند، «پس هرکس پیمان شکنند بد نامی و زیان آن به خودش می‌رسد».

مَعَاشِرَ النَّاسِ قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ، وَ سَلِّمُوا
عَلَى عَلِيٍّ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ وَ قُولُوا «سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا
عُفْرَانِكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ»^۱، وَ قُولُوا «الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ»^۲.

مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا
فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَّفَهَا فَصَدِّقُوهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ
الَّذِينَ ذَكَرْتُهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مُوَالَاتِهِ وَ
التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي
جَنَّاتِ النَّعِيمِ.

۱ . بقرہ، ۲۸۵.

۲ . اعراف، ۴۳.

ای مردم! هر آنچه با شما گفتم بگویید، و بر علی علیه السلام به عنوان امیر مؤمنین سلام دهید. و بگویید: « شنیدیم و فرمانبرداریم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهیم، بازگشت همه به سوی تو است». و بگویید: « ستایش و سپاس خدای را سزااست که ما را به این (امامت و ولایت علی علیه السلام) هدایت فرمود، و اگر راهنمایی خدا نبود ما به خود هدایت نمی شدیم».

ای مردم! به راستی فضایل و شایستگی های علی بن ابی طالب علیه السلام نزد خدای عزوجل که در قرآن فرو فرستاده بیش از آن است که [در یک مجلس] برشمارم، پس کسی که آن فضایل را برای شما برشمرده بشناساند او را تصدیق کنید.

ای مردم! هرکس خدا و رسولش صلی الله علیه و آله و سلم و علی علیه السلام و امامانی که یادآوری کردم اطاعت کند، یقیناً به رستگاری بزرگی نائل شده است.

ای مردم! سبقت گیرندگان در بیعت و دوستی و یاری علی علیه السلام و سلام کردن بر او به عنوان «امیر مؤمنان» ایشان رستگاران پیروزمندانند که در باغ های پر نعمت بهشتی جای دارند.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنْ
الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ
يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئًا. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ اغْضِبْ عَلَى
الْكَافِرِينَ.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

ای مردم! آنچه خدا به گفتن آن از شما خشنود
می شود به زبان آرید،
اگر شما و همه‌ی کسانی که در زمینند کافر شوید
هرگز زیانی به خدا نرسد.
بارالها! مؤمنان را ببخش و بیامرز، و بر کافران (که)
حقایق را پوشیده می دارند) خشم گیر.
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

منابع

- قرآن مجید: ترجمه‌ی مهدی الهی قمشه‌ای، اسلامیه، ۱۳۴۲ ش.
قرآن حکیم، ترجمه‌ی آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.
نهج البلاغه: ترجمه‌ی فیض الإسلام، ۱۳۲۶ ش.
الإحتجاج علی اهل اللجاج: ابومنصور احمد بن علی طبرسی، سنگی، مطبوعه
مرتضویه، نجف، ۱۳۵۰-ق.
الاصول من الکافی: محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامیه.
بحار الانوار: علامه محمد باقر مجلسی، چاپ جدید، دارالکتب الإسلامیه.
تُخَفُّ العقول: حسن بن علی حرّانی، انتشارات اسلامیه، ۱۳۸۴ ق.
حماسه‌ی غدیر: محمدرضا حکیمی، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
۱۳۵۵ ش.
شرح التعرف لمذهب التصوف: مستملی بخارائی، چاپ لکنهو.
الغدیر: علامه عبدالحسین احمد امینی، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۲ ق.
لغت‌نامه: علی اکبر دهخدا، دانشگاه تهران، ۱۳۳۸ ش.
مجمع البیان فی تفسیر القرآن: علی بن الحسن الطبرسی، اسلامیه، ۱۳۸۰ ش.
مُعْجَم البلدان: یاقوت حموی، مصر، ۱۳۲۴ ق.
المفردات فی غریب القرآن: راغب اصفهانی، المكتبة المرتضویه، تهران، ۱۳۷۳ ق.
منتهی الأرب فی لغة العرب: عبدالرحیم صفی پوری، ۱۲۹۶ ق.

پیام غدیر

اینک که به آخر خطبه رسیدیم و می‌خواهیم از صحنه‌ی غدیر بیرون رویم، جای این پرسش هست که از استماع آن سخنرانی مهم رسول اکرم ﷺ ما را چه عاید شد؟ آیا موضوع فقط معرفی یک فرد شایسته از خویشان پیامبر است برای دوست داشتن او؟ یا نه، انتصاب مسلمانی است کامل، زبده و شایسته، که پروردگار دانا می‌دانسته که می‌تواند ادامه دهنده راه رسولش باشد، و بیان‌کننده‌ی اصول و فروع دین و اجرا‌کننده‌ی احکام قرآن.

پیام خطبه‌ی غدیر این است که پیامبر اسلام ﷺ که دینش خاتم ادیان است باید یکی از تربیت‌یافتگانش را به امر خدای تعالی برای ادامه‌ی رسالتش تعیین کند، که اگر نکند چنان است که ۲۳ سال زحماتش را به دست حوادث نامعلوم تاریخ سپرده است، زیرا هنوز تعصب‌های جاهلیت موجود بود، و خُلق و خوی عصر شرک در بسیاری از افراد مُسن ریشه‌کن نشده بود، چنان‌که آثارش پس از رحلت آن حضرت آشکار شد، و دیدیم بنی‌امیه بیشترین ستم را بر عترت پیامبر اکرم ﷺ روا داشتند، و فجایعی ننگین در خانه‌ی خدا به بار آوردند.

خطبه‌ی غدیر می‌گوید در جامعه‌ی اسلامی که حق حاکمیت با احکام خداست، در رأسِ هرم حکومت باید فقیهی عادل قرار گیرد که در اصول و

فروع دین متخصص و اسلام شناسی آگاه به زمان و جریانات سیاسی باشد، و شخصاً پارسا و دور از هوی، دل آگاه و بصیر باشد، تا بتواند با یاری و مشورت متخصصان سیاسی و اهل فن، مدیریت کلی جامعه را در دست داشته، راهبر و هدایتگر شود. بر اجرای عدالت علوی - تا جایی که امکان دارد - پای فشارد، و عزت و استقلال مسلمانان و حفظ ثغور کشور اسلامی را در نظر داشته باشد...

این کلیاتی است که از خطابه‌ی غدیر استنباط می‌شود، و پیش از آن قرآن با آیاتی مانند: *وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ!* و آنان که به احکامی که خدا نازل کرده حکم نمی‌کنند کافراند، آنها را به ما آموخته و در سیره و سنت رسول خدا ﷺ اجرا شده است.

اگر پرسیده شود چرا اهل سنت چنین عمل نمی‌کنند، و اصولاً بینش حکومتی آنها چیست؟ گوییم: مطمئن‌ترین جواب که دور از پیشداوری یا تعصب باشد آن است که به نقل قول علمای آنان بپردازیم. پس گوییم:

حافظی بزرگ و محدثی معروف به نام محی‌الدین یحیی نووی شافعی (م. ۶۷۶) در شرح بر صحیح مسلم می‌نویسد: «همه‌ی اهل سنت از فقها و محدثین

۱. سوره مائده ۴۴. و همانند این آیه است آیات ۴۵ و ۴۷ همان سوره با تفاوت کلمه‌ی آخر آیه که: الظالمون و الفاسقون است.

و متکلمین بر این عقیده‌اند که خلیفه و حاکم به خاطر فسق و ظلم و تعطیل احکام خدا، عزل و خلع نمی‌شود، و خروج و قیام علیه او جایز نیست، فقط باید او را پند داد! ^۱

مُستَمَلی بخارائی - دانشمند صوفی مسلک - پیش از او با بسط و شرح بیشتر در همین باره می‌نویسد: «نزدیک معتزله^۲، چون امامت جز در اولاد علی علیه السلام نباید که باشد، غیر ایشان خود سلطان نباشد، و بر وی خروج کردن فریضه باشد و کشتن او حلال باشد. و باز نزدیک اهل سنت و جماعت، سلطانِ جائِر همچنان سلطان باشد که سلطان عادل، و نشاید بر او خروج کردن، و طاعت داشتن او را در آنچه طاعت خدای عزّ و جل در اوست. و آنچه در او معصیت است طاعت نشاید داشتن، لیکن با این همه سلطان نباید دانستن و از پس او نماز باید کردن^۳!..».

برای زدودن تردید و شگفتی از چنین عقایدی جاهلانه و بی منطق خوانندگان را به کتاب الغدیر (ج ۷/ ص ۱۳۶ تا ۱۴۵) ارجاع می‌دهیم، تا ملاحظه کنند متکلمان (علمای عقاید) و دانشمندان بزرگ اهل سنت مانند: باقلانی در «التمهید» (۱۸۵-۱۸۶) و تفتازانی در

۱. المنهاج، حاشیه ارشاد الساوی شرح صحیح بخاری، ج ۸/ ۳۶. (به نقل از: حماسه‌ی غدیر، ۵۶).

۲. مقصودش شیعه است، در قدیم بعضی نویسندگان به خطا، شیعه را (چون در اعتقاد به حُسن و قبح عقلی با معتزله مشترک هستند) به نام معتزله خوانده‌اند.

۳. شرح التعرّف لمذهب التصوف، چاپ لکنهو، ج ۲، ص ۳۰.

«شرح مقاصد» (ص ۲۷۲) و قاضی ایجی در «مواقف» و دیگران همه نظیر چنین عقایدی را ابراز داشته‌اند، و آراء سیاسی آن‌ها و موضع‌گیری‌شان در برابر حاکمان ستمگر اموی و عباسی و بعد از آنان، علماً و عملاً، همه بر همین اساس مبتنی بوده است، و این واقعیتی است روشن و تأسف آور در تاریخ مسلمین. ادامه‌ی همین تفکر سیاسی و حکومتی است که امروز شاهان سعودی می‌توانند خود را صاحب اختیار و حاکم نزول‌گاه قرآن و زادگاه اسلام- کشور عربستان- بدانند، و با تبعیت از آمریکا، به صهیونیسم جرأت و جسارت تسلط بر بخشی از سرزمین‌های مسلمین را بدهند. گویی آیه‌ی شریفه‌ی: «وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ...»^۱ و همانندانش را نخوانده‌اند! اما شیعه به برکت خطبه‌ی غرّای غدیر خُم و احادیث معصومین علیهم‌السلام از عترت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نه تنها سلطان و حاکم، بلکه فقیه و عالمی را که دنیا دوست و مقام پرست باشد نیز از نظر شرعی قابل اعتماد نمی‌داند، که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به روایت امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرماید: فقیهان امانتدار پیامبرانند تا زمانی که در دنیا وارد نشده باشند. گفته شد: ای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! مقصود از دخولشان در دنیا چیست؟

۱. هود، ۱۱۳. و چنین است ترجمه‌ی آیه: و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فراگیرد. و در آن حال هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهد داشت و یاری نمی‌شوید.

پاسخ دادند: پیروی از سلطان، که وقتی چنین کردند از آنان نسبت به امور دینتان بر حذر باشید...^۱ و سلطان کسی است که نه متکی بر آراء مردم، بلکه به قوه‌ی قهریه بر مردم تسلط یافته حکمرانی کند.

و سپاس خدای را که پس از چهارده قرن، فرزندی از دودمان آن امامان معصوم علیهم‌السلام، فقیه مجاهد، امام روح الله خمینی قدس سره برای خدا قیام کرد و به یاری و کمک ملت توانست پیام غدیر را به گوش جهانیان برساند و عملاً حکومت اسلامی را پس از همه پرسى - در دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ - پایه گذاری کند.

اینک سی و سه سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد، ملت ایران به توفیق الهی و عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و رهبری آیت الله خامنه‌ای مدّ ظلّه، مشکلات زیادی را پشت سر گذاشته بلندتر و توفنده‌تر از پیش، پیام غدیر را در آثار فرهنگی خود به گوش جهانیان می‌رساند، و آنان هم با انقلاب علیه شاهان مستبد مال اندوز نوکر مآب خود، جمهوری اسلامی را برای کشورهایشان می‌طلبند.